

# حکمت نبوتی هوشع

درس  
اول

مقدمه‌ای بر هوشع



THIRD MILLENNIUM  
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2020 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

### ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel®. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: حکمت نبوتی هوشع (درس شماره ۱: مقدمه‌ای بر هوشع)  
حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

## فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) زمینه

نبی

زمان

مکان

شرایط

مقصود

کتاب

زمان نگارش

مکان نگارش

موقعیت نگارش

مقصود نگارش

(۳) محتوا و ساختار

داوری و امید (۱: ۲-۳: ۵)

تجربیات اولیه خانوادگی (۱: ۲-۲: ۱)

شکایت‌نامه خدا (۲: ۲-۲۳)

تجربیات اخیر خانوادگی (۳: ۱-۵)

پرده‌برداری از داوری (۴: ۱-۹: ۹)

شکایت‌نامه‌های خدا (۵: ۱-۷)

ندای هشدار خدا (۵: ۸-۹: ۹)

پرده‌برداری از امید (۹: ۱۰-۱۴: ۸)

میوه (۹: ۱۰-۱۲)

نخل کاشته‌شده (۹: ۱۳-۱۷)

تاک برومند (۱۰: ۱-۱۰)

گوساله تربیت‌شده (۱۰: ۱۱-۱۵)

طفل محبوب (۱۱: ۱-۱۴: ۸)

(۴) نتیجه‌گیری



## مقدمه‌ای بر هوشع

### مقدمه

آیا تا به حال به کسی برخوردیده‌اید که حاضر نیست به مشورت حکیمانه گوش دهد؟ اینگونه افراد، احمقانه با نصایح دیگران مخالفت می‌کنند و در نتیجه بارها و بارها دچار شکست می‌شوند. در بسیاری از موارد، این اتفاقی بود که در زمان خدمت هوشع نبی رخ داد. هوشع طی چندین دهه متوالی کلام خدا را به گوش قوم خود می‌رسانید. اگرچه هر بار ثابت می‌شد که نبوت‌های او واقعیت دارند، اما قوم خدا بارها متحمل رنج و سختی شدند چون به او گوش نمی‌دادند. اما هوشع هیچگاه تسلیم نشد. در اواخر عمر او، روح‌القدس وی را هدایت کرد تا مجموعه‌ای از نبوت‌های خویش تهیه کند که ما امروزه آن را کتاب هوشع می‌خوانیم. او کتاب خود را طوری طرح‌ریزی کرد که به قوم خدا برای چالش‌هایی که در آن زمان با آنها روبرو بودند، حکمت ببخشد. و به عنوان یک کتاب الهام‌شده‌ی الهی، کتاب هوشع به قوم خدا در تمام اعصار - شامل عصر ما نیز - حکمت می‌بخشد.

این اولین درس از مجموعه دروس «حکمت نبوتی هوشع» است که ما آن را «مقدمه‌ای بر هوشع» نامیدیم. در این درس، به بررسی برخی موضوعات مقدماتی مربوط به خدمت هوشع و کتابی که نام او را بر خود دارد خواهیم پرداخت.

مقدمه ما بر کتاب هوشع به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. در بخش اول، ابتدا به پیش‌زمینه هوشع نبی و کتاب او خواهیم پرداخت و سپس نگاهی اجمالی به محتوای اساسی و ساختار کتاب خواهیم داشت. بیا بیاید ابتدا به کشف ابعاد مختلف این کتاب و زمینه هوشع بپردازیم.

### زمینه

نبوت‌های هوشع توسط روح‌القدس الهام شده بودند و به همین دلیل، آنها اقتداری غیرقابل منازعه بر قوم خدا در طول تاریخ دارند. اما این نبوت‌ها در وهله اول خطاب به اسرائیلیان باستان و موقعیت‌هایی است که با آنها روبرو بودند. همانطور که در این درس خواهیم دید، خدمت هوشع چندین دهه به طول انجامید. بنابراین هرچقدر بیشتر با پیش‌زمینه شرایط هوشع آشنایی داشته باشیم، درک بهتری از نبوت‌های او و کاربرد آنها در زمان حال خواهیم داشت.

قبل از بررسی این موضوعات، باید به دو زمینه تاریخی به هم پیوسته تحت عنوان دو «جهان» بپردازیم. اولین زمینه که آن را «آن جهان» می‌نامیم، دربرگیرنده دهه‌های خدمت نبوتی هوشع است که مکاشفات الاهی را از خدا دریافت و منتقل کرد. اما دومین زمینه تاریخی که آن را «جهان آنها» می‌خوانیم، بعدها در زندگی هوشع به وقوع می‌پیوندد. در این زمینه دوم، هوشع برخی از نبوت‌های خویش را برگزید و نوشت تا بر زندگی آنانی که نخست کتاب او را دریافت کردند، تاثیر بگذارد.

ما در دو مرحله به بررسی این پیش‌زمینه دوگانه خواهیم پرداخت. نخست کاوشی در «آن جهان» یا محدوده کامل خدمت هوشع نبی خواهیم داشت. سپس، «جهان آنها» یا زمینه‌ای که کتاب هوشع در آن نوشته شد را بررسی خواهیم کرد. بیایید با خدمت هوشع نبی شروع کنیم.

### نبی

در حول و حوش زمان خدمت نبوتی هوشع، تعدادی از ملل نقش مهمی در تاریخ قوم خدا ایفا کردند. در سال ۹۳۰ ق. م. پادشاهی متحد داوود و سلیمان به دو پادشاهی تقسیم شد: پادشاهی اسرائیل در شمال و پادشاهی یهوذا در جنوب. هر دوی این پادشاهی‌ها در خدمت نبوتی هوشع سهم برجسته‌ای داشتند. در آن زمان قوم خدا با ملل دیگری از جمله سوریه و مصر نیز در ارتباط بودند. اما بالاتر از همه، هوشع خدمت خود را بر اتفاقات مربوط به امپراتوری آشور متمرکز کرد. در زمان هوشع، آشور تبدیل به امپراتوری قدرتمندی شد از هر طرف نفوذ خود را گسترش می‌داد و این شامل سرزمین‌های اسرائیل و یهوذا نیز می‌شد. همانطور که خواهیم دید، خدمت هوشع در حکومت شمالی اسرائیل، تقریباً دو بیست سال پس از جدایی اسرائیل از یهوذا آغاز شد.

زندگی در حکومت شمالی اسرائیل در این دوره تاریخی برای هر کسی که می‌خواست نسبت به خدا وفادار باشد، دشوار بود. این موضوع به طور خاص برای مردی چون هوشع مصداق داشت - مردی که خدا خوانده بود تا نبی او باشد. هوشع شاهدی دست اول انحراف رهبران اسرائیل بود و می‌دید که آنها چگونه با اتکا و اتحاد با سایر ملل و خدایان آنها، پادشاهی خود را از خدا دور کرده‌اند. کاهنان اسرائیل پرستش خدای خود را به آئین‌های مذهبی‌ای که با مستی، اعمال جنسی شهوت‌برانگیز و بت‌پرستی همراه بود آمیخته بودند. ثروتمندان در حال دستیابی به ثروت بیشتر بودند، اما فقیران به درجه‌ای از فقر رسیده بودند که گاهی برای تامین نان مجبور به فروش زنان و دختران‌شان به معبد برای فاحشه‌گری بودند. هوشع در حال رویارویی با این وضعیت رقت‌انگیز در حکومت شمالی بود که خدا او را به خدمت نبوت خواند تا پیغامی از پادشاه اعظم و الاهی اسرائیل را اعلام کند که تعدادی قلیل حاضر به شنیدن آن بودند. خدا قرار بود در آینده‌ای نزدیک به وسیله امپراتوری آشور، حکومت اسرائیل را مورد تنبیه قرار دهد.

همچنان که خدمت هوشع نبی را بررسی می‌کنیم، به چهار مشکل که به هم مربوط هستند نگاه می‌کنیم: زمان خدمت او، مکان آن، شرایط متغیر هوشع، و هدف یا مقصود خدمت نبوتی او. بیایید با تمرکز بر زمانی که هوشع به عنوان نبی خدا خدمت کرد، شروع کنیم.

## زمان

همانند بسیاری از کتب نبوتی دیگر عهد عتیق، آیهٔ اول هوشع در ۱: ۱ از زمان خدمت هوشع به ما اطلاع می‌دهد. به آغاز این کتاب گوش کنید:

کلام خداوند که در ایام عزّیا و یوتام و آحاز و حزقیّا پادشاهان یهوذا و در ایام یربعام بن یوآش پادشاه اسرائیل، بر هوشع بن بئیری نازل شد. (هوشع ۱: ۱)

فهرست اسامی این پادشاهان راهنمایی از ابتدا و انتهای خدمت هوشع به ما می‌دهد. از یک سو، به ما نشان می‌دهد که خدمت هوشع در زمان حکومت عزّیا در یهوذا و یربعام در اسرائیل آغاز شده است. معمولاً به این یربعام به عنوان یربعام دوم اشاره می‌شود تا از یربعام اول که اولین پادشاه حکومت شمالی اسرائیل است، متمایز شود.

عزّیا – که عزّریا نیز خوانده شده است – در سال‌های ۷۹۲ تا ۷۴۰ ق. م. در یهوذا حکمرانی کرد. و یربعام دوم تقریباً از ۷۹۳ تا ۷۵۳ ق. م. سلطنت کرد. اکثر مفسرین بر این باورند که اوضاع و شرایطی که به آنها در نبوت‌های اولیهٔ هوشع اشاره شده، منعکس‌کنندهٔ شرایطی است که اسرائیل در آخرین دههٔ سلطنت یربعام دوم در آن قرار داشت. بنابراین، می‌توان گفت که خدمت هوشع در حدود ۷۶۰ ق. م. آغاز شده است. بر این اساس، هوشع یکی از اولین انبیا، و حتی شاید اولین نبی‌ای است که یکی از کتب کتاب مقدس به خدمت او اختصاص داده شده است. از طرف دیگر، فهرست اسامی پادشاهان مذکور در هوشع ۱: ۱ نشان می‌دهد که خدمت نبوتی او در چه زمانی پایان یافته است. هوشع در طول سلطنت عزّیا، یوتام و آحاز که همگی پادشاهان یهوذا بودند خدمت کرد و در زمان حکمرانی حزقیّا به آن خاتمه داد.

حزقیّا پس از دوره‌ای سطننت مشترک با پدرش، از حدود ۷۱۵ تا ۶۸۶ ق. م. تنها حکمران یهوذا بود. ما دقیقاً نمی‌دانیم که چند سال از زندگی هوشع در زمان سلطنت حزقیّا سپری شده است. اما اگر او خدمت خود را حدود ۷۶۰ ق. م. در بیست سالگی شروع کرده باشد، بنابراین در سال ۶۸۶ ق. م. در حدود ۹۴ ساله بوده است. بنابراین به نظر می‌آید که خاتمهٔ خدمت او زمانی قبل از ۶۸۶ ق. م. اتفاق افتاده باشد.

با در نظر داشتن زمان خدمت هوشع نبی، بیایید به مکانی که او به عنوان نبی خدا خدمت کرد نگاه کنیم.

## مکان

آیه آغازین کتاب هوشع با ذکر این مطلب که او در دوران سلطنت یربعام دوم نبوت کرده، مکان خدمت او را به ما نشان می‌دهد. اشاره به نام یربعام دوم، نشانگر دو حقیقت در رابطه با مکان هوشع است. از یک سو، نشان می‌دهد که خدمت هوشع به جای یهودا، در پادشاهی اسرائیل آغاز شده است.

از طریق راه‌ها و متون مختلف در کتاب هوشع، می‌توانیم بگوییم که هوشع نبی در پادشاهی شمالی خدمت کرد. به عنوان مثال در هوشع ۱: ۱ ما به فهرستی از پادشاهان معاصر با هوشع بر می‌خوریم که در زمان آنها، کلام خداوند بر هوشع مکشوف شده است. یکی از آنها، یربعام پادشاه، پسر یوآش یا یربعام دوم، یکی از پادشاهان اسرائیل بود. این نشان می‌دهد که خدمت هوشع به پادشاهی اسرائیل ارتباط داشت. همچنین، در طول کتاب، خدا به طور مستقیم اسرائیل را مورد خطاب قرار می‌دهد. او دربارهٔ داوری قریب‌الوقوع علیه اسرائیل صحبت می‌کند و اعمال مردم اسرائیل را به خاطر گناهان آنها افشا می‌کند. برای مثال، در ۴: ۱ خدا گفت که به پادشاهی اسرائیل پایان خواهد داد. بنابراین پیغام مستقیم خدا به اسرائیل و اشاره به یربعام پادشاه که پادشاه اسرائیل بود، نشانگر آن است که خدمت هوشع مربوط به پادشاهی شمالی اسرائیل بوده است.

- کشیش شریف گندی

این اشارات به پادشاهی شمالی، در قسمت‌های زیادی از کتاب هوشع وجود دارند، اما باید به دو عامل مهم اشاره کنیم. نخست، گویش زبان عبری کتاب قویا نشان می‌دهد که هوشع از بومیان پادشاهی شمالی بوده است. بسیاری از تحقیقات اخیر نشان‌دهندهٔ تشابهاتی بین دستور زبان عبری کتاب هوشع و گویش فنیقی است - یک گویش سامی غربی که عمدتاً در مناطق ساحلی شمالی صحبت می‌شد.

دوم آنکه، این به طور خاص نشان می‌دهد که اکثر نبوت‌های کتاب هوشع به جای یهودا بیشتر بر اسرائیل متمرکز دارند. این کتاب صراحتاً حدود ۸۱ بار با به کار بردن الفاظی از قبیل «اسرائیل»، «اسرائیلیان» - به معنی «پسران اسرائیل» - و «افرایم»، نامی که هوشع معمولاً برای اشاره به پادشاهی اسرائیل به کار برده است، به پادشاهی شمالی اشاره می‌کند. در مقابل، این کتاب تنها ۱۵ بار از یهودا نام می‌برد. هوشع به طور خاص به وقایعی که در پادشاهی شمالی رخ می‌داد، توجه داشت.

از سوی دیگر، می‌توانیم با دقت به هوشع ۱: ۱ که تنها به یربعام دوم اشاره و شش پادشاه دیگر پادشاهی شمالی را که در طول زندگی هوشع زندگی می‌کردند حذف می‌کند، نکتهٔ دیگری دربارهٔ مکان خدمت هوشع بیاموزیم.



پس از یربعام دوم، پادشاهانی از قبیل زکریا، شلوم، مناخیم، فقحیا، فقح و هوشع به سرعت جانشین یکدیگر شدند و سلطنت کردند تا زمانی که سامره، پایتخت اسرائیل، در سال ۷۲۲ ق. م. به تصرف آشوریان درآمد. به نظر می‌رسد اسامی این پادشاهان از فهرست اسامی هوشع ۱: ۱ به این دلیل حذف شده است که هوشع نزدیک پایان سلطنت یربعام دوم، در سال ۷۵۳ ق. م. به یهودا مهاجرت کرد. البته، ممکن است که هوشع گاهی برای رساندن برخی از نبوت‌های خود به پادشاهی شمالی سفر کرده باشد. همچنین ممکن است که شاگردان یا دوستان هوشع به جای او نبوت‌های او را در شمال رسانده باشند. به هر حال، عدم ذکر نام سایر پادشاهان در هوشع ۱: ۱ نشان می‌دهد که هوشع تنها تا پایان سلطنت یربعام دوم در اسرائیل شمالی ساکن بوده است. بعد، یا به خاطر تغییرات سیاسی یا به خاطر مقاومت در برابر نبوت‌هایش، او در پادشاهی جنوبی یهودا ساکن شد.

حال که به بررسی زمان و مکان خدمت هوشع نمی‌پردازیم، باید به بررسی برخی از شرایطی بپردازیم که هوشع در طول دهه‌ها خدمت به عنوان نبی خداوند به آنها اشاره کرد.

### شرایط

بسیاری از دانش‌آموزان کلام خدا با آن دوره تاریخ کتاب مقدس که خدمت هوشع با آن مرتبط بود، آشنا نیستند. البته کتب تاریخی پادشاهان و تواریخ، کتب انبیا مثل میکاه و اشعیا، و اکتشافات باستان‌شناسی، اطلاعات زیادی درباره این دوران تاریخی در اختیار ما می‌گذارند. اشاره به همه این وقایع از حوصله این درس خارج است. اما بدون یک آگاهی اساسی از برخی اتفاقات مهم‌تر که در اسرائیل و یهودا در طول دهه‌ها خدمت هوشع اتفاق افتاده‌اند، نمی‌توانیم ادامه دهیم.

تصور کنید که شما هوشع هستید و خدمت خود را در پادشاهی شمالی در دوران یربعام دوم آغاز کرده‌اید. شما به خداوند اعتماد دارید، اما به هر طرف که رو می‌کنید، پادشاه، کاهنان، و ثروتمندان اسرائیل وضعیت ملت شما را به قهقرا کشانده‌اند. آنها خدایان دروغین سایر ملل را می‌پرستند. کشور را از خشونت پر کرده‌اند. آنها پسران خانواده‌های فقیر را مجبور به خدمت در ارتش منحرف خود کرده‌اند. و به زنان و دختران خانواده‌های بی‌بضاعت فشار وارد می‌کنند تا در مراکز پرستش آنها، فاحشه‌گری کنند. در عین حال، همه رهبران مدعی هستند که به خدا وفادارند و به قدرت و ثروت خود به عنوان تایید خدا بر تمام آنچه انجام می‌دهند، اشاره می‌کنند.

اکنون، هوشع می‌داند که مدت‌ها قبل موسی اخطار داده بود که خدا اینگونه سرکشی‌ها را برای همیشه تحمل نخواهد کرد. او مشکلات را خواهد فرستاد تا قوم خود را فروتن کند. موسی حتی به آنها هشدار داده بود که خدا از ملل شریر و ظالم بی‌ایمان استفاده خواهد کرد تا آنان را تادیب کند. و خدا این مکاشفه را به هوشع داد که این دقیقاً چیزی بود که او درصدد بود با اسرائیل بکند.

همانقدر که برای هوشع، شنیدن این پیغام دربارهٔ وطن خود دشوار بود، او بعدها در یهودا نیز با اوضاع مشابهی روبرو شد. با گذر سالیان، رهبران وطن ثانویهٔ او در پادشاهی جنوبی نیز به همان سرکشی‌ای که همسایگان شمالی‌شان داشتند، گرفتار شدند. آنها نیز با سایر ملل پیمان اتحاد بستند، با دیگران با ظلم و بی‌عدالتی رفتار کردند، جوانان خود را مجبور کردند در نبردهای احمقانه بجنگند و مردم را تشویق به بت‌پرستی حتی در اورشلیم کردند. هوشع شاهد بر همهٔ این امور بود. خدا به او نشان داد که مردم یهودا نیز به زانو در آورده خواهند شد.

به طور کلی، می‌توان به مشکلاتی که هوشع دربارهٔ آنها پیشگویی کرده بود، عنوان دورهٔ «داوری آشور» را داد. در طول این دوران، وسیلهٔ اصلی تادیب خدا، امپراتوری آشور بود. حکومت آشور این نقش را در زمانی که تَغْلَتْفَلَّاسَر سوم در سال ۷۴۴ ق. م. بر تخت سلطنت نشست، ایفا کرد. آشوریان به طرق مختلف، عامل مهمی در تاریخ قوم خدا باقی ماندند تا اینکه نینوا، پایتخت آشور در سال ۶۱۲ ق. م. به تصرف بابلیان در آمد.

در انتهای حکومت یربعام دوم یا درست بعد از سلطنت او، تَغْلَتْفَلَّاسَر سوم پادشاه آشور شد. آشور ابرقدرت آن روزها بود که موجودیت یهودا، اسرائیل و سوریه را که در شمال اسرائیل قرار داشت، تهدید می‌کرد. بنابراین تَغْلَتْفَلَّاسَر سوم مجری همهٔ نبوت‌هایی بود که هوشع در رابطه با لعنت و تحت انقیاد در آمدن اسرائیل در نتیجهٔ بی‌اطاعتی‌شان از خدا، قبلاً از آنها خبر داده بود. پس از تَغْلَتْفَلَّاسَر سوم، شَلْمَنَاسَر به سلطنت رسید. این دو پادشاه یعنی تَغْلَتْفَلَّاسَر سوم و شَلْمَنَاسَر، عصای عدالت خدا شدند، که با آنها یا از طریق آنها خدا مجازاتی که توسط هوشع دربارهٔ آن سخن گفته بود را اجرا کرد.

- دکتر لری تروتر

همانطور که در این درس خواهیم دید، محتوای کتاب هوشع، خدمت نبوتی او را بر سه واقعهٔ اصلی متمرکز می‌کند که در طول دورهٔ داوری آشور رخ داد. اولین نبوت‌های کتاب هوشع دربارهٔ اولین واقعه است: یعنی به قدرت رسیدن مملکت آشور توسط تَغْلَتْفَلَّاسَر سوم که در سال ۷۴۴ ق. م. به سلطنت رسید. و فراتر از این، هوشع نبوت‌هایی در رابطه با حملهٔ آشور به اسرائیل که ده سال بعد در سال ۷۲۲ ق. م. هنگامی که آشوریان پادشاهی اسرائیل را به نابودی کشاندند، انجام می‌دهد. بیایید به بررسی شرایطی که هوشع دربارهٔ این سه واقعه نبوت کرد و با آنها روبرو شد بپردازیم. با مرحلهٔ اول خدمت هوشع، وقتی که او نبوت‌های خود دربارهٔ به قدرت رسیدن آشور در سال ۷۴۴ ق. م. را دریافت کرد، شروع می‌کنیم.

همانطور که گفتیم، سال ۷۴۴ ق. م. بود که تَغْلَتْفَلَّاسَر سوم پادشاه آشور شد و اقتدار خود بر اسرائیل و یهودا را اعلام کرد. هوشع پیش از این زمان در پادشاهی شمالی زندگی کرده و شاهد بود که چگونه یربعام دوم اسرائیل را به اوج کامیابی رسانید. اما او همچنین می‌دید که چگونه پادشاه، کاهنان و سایر رهبران با ترویج بت‌پرستی

و بی‌عدالتی عدم وفاداری خود به خدا را اثبات کردند. در نتیجه این موضوع، هوشع دربارهٔ لعنت‌های خدا که از طریق امپراتوری آشور می‌آمد، هشدار داد.

در طول همین دوره، بر اساس کتب پادشاهان و تواریخ، پادشاهی یهودا نیز به تصرف تَغْلَثَفَلَّاسَر سوم در آمد. اما بر عکس رهبران اسرائیل، عُزیا پادشاه یهودا را می‌بینیم که در یک مورد بسیار مهم با عدالت سلطنت کرد. در حالیکه بسیاری در یهودا مشغول بت‌پرستی بودند، خود عُزیا تنها خداوند را پرستش کرد و منحصرآ پرستش او را در معبد اورشلیم ترویج داد. بنابراین تا جایی که ما اطلاع داریم، خدا در این زمان هیچ اتهامی علیه یهودا وارد نکرد و هیچ هشدارى علیه یهودا دربارهٔ لعنت‌ها به هوشع نداده است.

مرحلهٔ بعدی خدمت هوشع بر حملهٔ آشور به اسرائیل در ۷۳۲ ق. م. متمرکز است. هنگامی که هوشع نبوت‌های اولیهٔ خود را دربارهٔ این حمله انجام داد، تَغْلَثَفَلَّاسَر سوم به اعمال قدرت سیاسی بر پادشاهی اسرائیل ادامه داد. مناخیم و فقحیای پادشاه بت‌پرستی و بی‌عدالتی را ترویج کردند و برای امنیت‌شان بر عهد دوستی پادشاهی آشور تکیه کرده بودند. همانند اکثر اتحادهای سیاسی در زمان باستان، این رابطه نیز مستلزم تایید خدایان آشور بود. در نتیجهٔ این عدم وفاداری نسبت به خدا، هوشع هشدار داد که خدا از طریق تجاوز قریب‌الوقوع آشوریان در ۷۳۲ ق. م.، بلایا را بر سر اسرائیل خواهد ریخت.

کتاب پادشاهان نشان می‌دهد که در این زمان عزیا و پسر او یوتام به عنوان پادشاهانی عادل در یهودا سلطنت می‌کردند. بسیاری از مردم در مکان‌های بلند به پرستش سایر خدایان ادامه دادند، اما عزیا و یوتام نه خود بت‌پرستی کردند و نه آن را تایید کردند. بنابراین، در طول این دوران، هوشع هنوز هیچ هشدارى علیه یهودا نداده بود.

وقتی هوشع نبوت‌های بعدی خود دربارهٔ حملهٔ آشور در سال ۷۳۲ ق. م. را دریافت کرد، اوضاع در اسرائیل وخیم‌تر شده بود. فقح پادشاه به بت‌پرستی و بی‌عدالتی ادامه داد. او به نظارت آشوریان تسلیم شد اما وقتی تَغْلَثَفَلَّاسَر در جای دیگری مشغول بود، فقح سعی کرد که خود را از خراج سنگینی که به آشور می‌پرداخت رها کند. او اتحادی با سوریه و خدایان سوری ترتیب داد - اتحادی که معمولاً به نام «ائتلاف سوری - آشوری» خوانده می‌شود. فقح و متفقین سوری او به یهودا حمله کردند، با این هدف که یهودا را نیز مجبور به پیوستن به شورش خود علیه آشور کنند. و اندکی بعد، در ۷۳۲ ق. م. تَغْلَثَفَلَّاسَر سوم پادشاهی سوریه را نابود و حکومت اسرائیل را مطیع خود کرد.

متأسفانه با ادامهٔ این حملات، یک تغییر بحرانی در یهودا پیش آمد. درست قبل از حملهٔ ائتلاف سوری - اسرائیلی به یهودا، آحاز بر تخت سلطنت نشست. آحاز بر خلاف پدر و پدربزرگش خدا را رد کرد و به ترویج بت‌پرستی و بی‌عدالتی پرداخت. یهودا توانست در مقابل حملات ائتلاف سوری - اسرائیلی و ادمویان و فلسطینیان مقاومت کند. اما آحاز به جای طلب کمک از خداوند، امنیت خویش را با تجدید اتحاد یهودا و آشوریان و خدایان آنها تامین کرد. و به دلیل سرکشی آحاز علیه خدا، هوشع نبوت کرد که تنبیهات خدا علیه یهودا نیز خواهد آمد.

این موضوع ما را به زمانی از خدمت هوشع می‌برد که او دربارهٔ حملهٔ آشور در ۷۲۲ ق. م. نبوت کرد، - حمله‌ای که منجر به سقوط سامره، پایتخت اسرائیل و تبعید اکثریت جمعیت اسرائیل شد. نبوت پیشین هوشع در سال ۷۲۲ ق. م. بر وقایع اسرائیل در سال‌های اولیهٔ سلطنت هوشع، پادشاه دست‌نشاندهٔ آشوریان تمرکز داشت. در زمان هوشع پادشاه، بت‌پرستی و ظلم و بی‌عدالتی در اسرائیل به صورتی دائمی اجرا می‌شد. او نسبت به هم‌پیمانان آشوری و خدایان آنها برای مدت‌ها وفادار ماند. در نتیجه، هوشع به اسرائیل هشدار داد که خدا تنبیهات جدیدی از طریق دومین حملهٔ عظیم آشوریان، یعنی حملهٔ ۷۲۲ ق. م. به سوی آنها خواهد فرستاد.

هم‌زمان در یهودا نیز آحاز با ترویج بت‌پرستی و ظلم به عهدشکنی با خدا ادامه می‌داد. او هنوز از اتکا بر خداوند اجتناب می‌کرد و برای حفظ امنیت خود از هم‌پیمانان آشوری خود کمک می‌طلبید و به آنان و خدایان‌شان توکل داشت. در نتیجه، هوشع دوباره به یهودا هشدار داد که تنبیهات خدا نسبت به آنان قریب‌الوقوع است.

نبوت‌های بعدی هوشع دربارهٔ حملهٔ آشوریان در سال ۷۲۲ ق. م. دوباره بر ادامهٔ ترویج بت‌پرستی و ظلم توسط هوشع تمرکز داشت. با مرگ تَغْلَتْفَلَّاسَر سوم، هوشع پادشاه فرصتی برای معافیت از پرداخت مالیات می‌دید. اما به جای بازگشت به سوی خدا، این بار با مصر و خدایان مصریان متحد شد. هوشع پیشگویی کرد که این گناهان منجر به داوری خدا خواهد شد. در تحقق این پیشگویی‌ها، شلمناسر پنجم، پسر تَغْلَتْفَلَّاسَر سوم، سامره را تصرف، و هوشع پادشاه را مجبور به پرداخت مالیات‌های سنگین کرد. تنها چند سال بعد، در ۷۲۲ ق. م. سارگن دوم پادشاه آشور، سامره را به نابودی کامل کشاند و اکثر جمعیت اسرائیل را به تبعید برد.

در طول این سال‌ها، در یهودا آحاز و حزقیا با هم سلطنت می‌کردند. اوایل، حزقیا به هم‌پیمانی پدرش با پادشاهی آشور و خدایان آنان ادامه داد. اما چندی نگذشت که او این پیمان دوستی را شکست. متأسفانه، حزقیا برای حفاظت خود از دست آشوریان به جای اتکا بر خداوند، بر قدرت ارتش خود، شهرهای حصاردار خود و هم‌پیمانی با مصر و خدایان آنها تکیه کرد. در نتیجهٔ این وقایع، هوشع بار دیگر اخطار داد که خدا یهودا را تنبیه خواهد نمود. تنبیهاتی که سال‌ها بعد توسط آشور به تحقق پیوست.

اگر وقت زیادی صرف مطالعهٔ این دورهٔ تاریخی کتاب مقدس نکنید، این نام‌ها و تاریخ‌ها به سادگی شما را سردرگم خواهند کرد. اما دانستن این مطلب که همهٔ این وقایع در دوران خدمت هوشع به وقوع پیوسته‌اند، در درک کتاب هوشع بسیار حائز اهمیت است. بنابراین همانقدر که دشوار است، مهم نیز هست که نبوت‌های هوشع را دربارهٔ روی کار آمدن حکومت آشور به عنوان ابر قدرت در سال ۷۴۴ ق. م.، حملهٔ آشور در سال ۷۳۲ ق. م. و حملهٔ آشور در سال ۷۲۲ ق. م. تمییز دهیم. چنانکه این نبوت‌ها را از هم متمایز می‌کنیم، قادر خواهیم بود که ببینیم چگونه هوشع چندین دهه را صرف خدمت اشاره به چالش‌هایی کرد که قوم خدا در هر یک از این دوره‌ها با آنها روبرو بودند.

پس از بررسی زمان، مکان و اوضاع و شرایط خدمت نبوتی هوشع، اکنون به مقصود و هدف هوشع خواهیم پرداخت. او به عنوان یک نبی، با اعلام مکاشفات الهی سعی داشت چه مقصودی را دنبال کند؟

### مقصود

ما در مجموعه دروس دیگر با جزئیات بیشتر سعی کرده‌ایم به این پرسش پاسخ دهیم. اما در حالت کلی خدا هوشع را خواند - همانطور که تمام قوم خود را در هر سنی می‌خواند - تا سهم خود در رساندن ملکوت او به اقصی نقاط جهان را ایفا کند. هوشع می‌دانست که خدا از طریق اصولی که در عهدهای خود قرار داده است ملکوت خود را گسترش می‌دهد. هوشع به خوبی می‌دانست که خدا اصول ملکوت خود را در پنج عهد اصلی تصویب کرده است که با همه ملل در آدم و نوح شروع می‌شود، و بعد عهدهای مخصوص او با ابراهیم، موسی، و داوود. هر یک از این عهدها بر نکته خاصی تاکید می‌کنند، اما هر عهد یکی پس از دیگری بر اصول عهد قبلی بنا شده است. همانند دیگر انبیا، هوشع نقش خاصی به عنوان یک سفیر یا نماینده ایفا می‌کرد که اعلام‌کننده روش خدا برای به اجرا درآوردن اصول این عهدها بود.

همه عهدهای خدا سه جنبه اساسی از برخورد او با قوم خویش را مقرر کرده‌اند که شکل‌دهنده خدمت هوشع است. به خاطر اهداف این درس، تنها نگاهی اجمالی به این موضوع خواهیم انداخت. نخست، تمام عهدهای خدا به نوعی با سخاوتمندی او آغاز شده‌اند و پایدار مانده‌اند، یا نیکویی و مهربانی خدا را به نمایش می‌گذارند. دوم، همه عهدهای خدا آن نوع از وفاداری انسان که خدا از قوم خود به عنوان قدردانی از این سخاوت، انتظار دارد را روشن می‌کند. و سوم، همه عهدهای الهی به دو پیامد اشاره می‌کنند که قوم خدا باید انتظار آن را داشته باشند: برکت در ازای اطاعت و لعنت در ازای بی‌اطاعتی.

بنابراین خدا می‌خواست که اسرائیلیان در عهد با او وفادار بمانند. و او قول داد که اگر آنها در عهد با خدا وفادار بمانند، همه چیز به خوبی و خیریت آنها منتهی خواهد شد اما اگر آنها عهد او را می‌شکستند، واقعه بدی برای آنها اتفاق می‌افتاد. این اصل حتی در زندگی امروزی ما نیز صدق می‌کند. اگر ما به عهد خدا وفادار بمانیم، خدا با ما خواهد بود، ما را رهبری خواهد نمود و به کار خود در ما ادامه خواهد داد.

- شبان میکاه گوسا

هوشع به عنوان نبی و سفیر عهدهای خدا، مکاشفاتی از خدا دریافت کرد که نشان می‌دادند خدا چگونه می‌خواهد خصوصیات این عهد را پیاده کند. سپس او این مکاشفات را به قوم خدا منتقل کرد. اگر با در نظر گرفتن وقایع مربوط به سال‌های خدمت هوشع به این کتاب نگاه کنیم، می‌توانیم مقصود نبوت‌های او را اینطور تعریف

کنیم: مقصود هوشع این بود که اعلام کند خدا چگونه می‌خواست جوانب عهدی سخاوت الاهی، وفاداری انسان، و پیامدهای برکت و لعنت در ارتباط با ظهور آشور در سال ۷۴۴ ق. م.، حمله آشور در سال ۷۳۲ ق. م. و حمله آشور در ۷۲۲ ق. م. را پیاده کند.

اکنون که به پیش‌زمینه هوشع نبی پرداختیم، می‌توانیم به بررسی پیش‌زمینه کتاب هوشع بپردازیم.

### کتاب

احتمالا هوشع و شاگردان او، در طی دهه‌ها خدمت وی، اقدام به نگارش بسیاری از نبوت‌های او کرده‌اند. اما در اواخر عمر او، در دوران سلطنت حزقیا بود که وی نبوت‌هایش را در مجموعه‌ای که امروز ما آن را کتاب هوشع می‌نامیم، گردآوری و ثبت کرد. با این زمینه، می‌توانیم بینش‌های بسیاری درباره خود کتاب داشته باشیم. تا کنون، تمرکز ما بر چیزی بوده که آن را «آن جهان» نامیدیم – زمان‌های مختلفی در طول دوران داوری آشور که هوشع از خدا مکاشفاتی برای اسرائیل و یهودا دریافت کرد. اکنون به بررسی «جهان آنان» خواهیم پرداخت – زمانی که هوشع به گزینش، جمع‌آوری و نگارش این نبوت‌ها به صورت یک کتاب اقدام می‌کند تا رهبران یهودا را از آنچه در حال وقوع بود مطلع کند.

تشخیص دو مفهوم «آن جهان» و «جهان آنان» برای درک کتاب هوشع بسیار مهم است؛ زیرا هوشع کتاب خود را پس از سقوط پادشاهی اسرائیل در سال ۷۲۲ ق. م. به رشته تحریر در آورد. بنابراین، اگرچه کتاب هوشع برای بازماندگان اسرائیل شمالی مفاهیم مهمی داشت، اما او در درجه نخست برای رهبران یهودا نوشت. همانطور که خواهیم دید، هوشع در خلال خدمت خود، نبوت‌های خود را نوشت تا حزقیا و سایر رهبران یهودا را به حکمتی رهنمون کند که آنها در بحران حمله آشور به یهودا در ۷۰۱ ق. م. به آن نیاز داشتند. برای درک صحت این مطلب ما در ادامه بحث خود، نگاهی به چهار خصوصیتی که پیش‌زمینه کتاب هوشع داراست خواهیم داشت: زمان نگارش کتاب، مکان نگارش کتاب، اوضاع و شرایط حاکم بر زمان نگارش کتاب، و مقصود کتاب. بیایید با زمان نگارش کتاب شروع کنیم.

### زمان نگارش

از آغاز باید اشاره کنیم که دانشمندان منتقد معمولا بر این باورند که کتاب هوشع بارها مورد ویرایش اساسی قرار گرفته که خیلی دیر تمام شده است – تا تبعید بابل و یا حتی پس از آن. در نتیجه، اکثر مفسرین منتقد معتقدند که تنها برخی از بخش‌های این کتاب توسط خود هوشع نوشته شده است. آنها استدلال می‌کنند که ویرایش‌گران، مدت‌ها پس از مرگ هوشع، مطالب خود را به متن این کتاب اضافه کرده‌اند. اما باید به یاد داشت که

این منتقدین اکثرا از آنجا به این نتایج رسیده‌اند که دریافت مکاشفات ماوراءالطبیعی دربارهٔ آینده توسط هوشع از خدا را انکار می‌کنند.

بر عکس، مفسرین اوانجلیکال به الهام ماوراءالطبیعهٔ نبوت هوشع ایمان دارند. بنابراین ما تایید می‌کنیم که همهٔ محتوای کتاب هوشع در واقع در برگیرندهٔ همهٔ آن پیغامی است که خود او از خدا دریافت نمود. به همین دلیل اوانجلیکال‌ها تاریخ زودتری برای تکمیل کتاب ارائه می‌دهند.

از یک دیدگاه اوانجلیکال، هوشع ۱: ۱ با اشاره به حزقیا به عنوان پادشاه یهودا، زودترین تاریخ ممکن برای اتمام کتاب را ارائه می‌دهد. این کاملا روشن است که اگر حزقیا در دوران نگارش این کتاب پادشاه نبود، نام او در فهرست اسامی پادشاهان مذکور نمی‌آمد. بنابراین می‌توان گفت که زودترین تاریخ احتمالی برای اتمام کتاب هوشع، دوران سلطنت حزقیا است که در ۷۱۵ ق. م. آغاز و در ۶۸۶ ق. م. به پایان رسیده است.

ما دقیقا نمی‌توانیم تاریخ قطعی برای زمانی که هوشع نگارش کتاب خود را تکمیل کرد و یا به حالتی که امروز ما آن را در کتاب مقدس در اختیار داریم، ارائه دهیم. اما واقعه‌ای در اواخر زندگی هوشع، در طول سلطنت آخرین پادشاهی که هوشع خدمت می‌کرد، یعنی حزقیا... حزقیا بابت بسیاری چیزها معروف است، اما در تاریخ کتاب مقدس، احتمالا مهم‌ترین تجربهٔ او حملهٔ سنحاریب، پادشاه آشور بود. سنحاریب عملا یهودا را به نابودی کشاند. مردم برای نجات جان‌شان فرار می‌کردند که می‌توانید شرح این وقایع را در میکاه باب ۱ بخوانید، دربارهٔ مصیبت و بدبختی‌ای که او وارد یهودا کرد. اما او از این هم فراتر رفت. او در واقع اورشلیم را محاصره کرد... محاصرهٔ یهودا و اورشلیم، شهر خدا، شهر داوود، پایتخت جهان توسط سنحاریب آنقدر از اهمیت برخوردار بود که در تاریخ آن زمان یهودا، همه چیز را به اوج خود رسانید. همه چیز در خطر بود. آیا اورشلیم سقوط می‌کرد؟ اشعیا در آن دوران نبوت می‌کرد و هوشع نیز احتمالا کتاب خود را در آن زمان نوشت زیرا که آخرین پادشاهی که در کتاب هوشع ۱: ۱ از آن نام برده شده است، حزقیا است.

دکتر ریچارد ال. پرت

همچنین برای تعیین دیرترین تاریخ احتمالی نگارش کتاب هوشع، می‌توان به دوران پیش از مرگ هوشع اشاره کرد که احتمالا اواخر سلطنت حزقیا بوده است. البته منتقدین به این مطلب اشاره می‌کنند که احتمالا هوشع از شاگردان خود برای نوشتن این کتاب استفاده کرده است. در برخی بخش‌ها شواهد نشانگر آن است که هوشع بر شاگردان خود متکی بوده است، درست مثل ارمیا که در ارمیا ۳۶: ۴ از شاگرد خود باروک کمک خواست.

باید توجه داشت که مثلا هوشع ۱: ۲-۹ به شرح حال او می‌پردازد. این متن به هوشع با ضمیر سوم شخص اشاره می‌کند، «هوشع چنین گفت»، یا «هوشع چنین کرد». اما ۱: ۳-۳ به صورت خویش‌نامه (اتوبیوگرافی) نوشته

شده است. در این بخش همهٔ فعالیت‌های هوشع به صورت اول شخص تعریف شده‌اند: «خداوند مرا گفت»، یا «من انجام دادم». این تغییر از بیوگرافی به اتوبیوگرافی احتمالا نشانگر این حقیقت است که شاگردان هوشع در نگارش این کتاب نقش داشته‌اند.

اما بر عکس آنچه که منتقدین فرض می‌کنند، در کلام خدا هیچ شواهدی مبنی بر اینکه شاگردان هوشع کلام او را ویرایش و یا پس از مرگ او مطالبی تازه به آن اضافه کرده‌اند، در دست نیست. حتی اگر شاگردان هوشع اقدام به تکمیل کتاب پس از مرگ او کرده باشند، از آنچه خدا به عنوان مکاشفه به او بخشیده بود، کجروی نکرده‌اند. عنوان کتاب در هوشع ۱: ۱ صریحا نشان می‌دهد که تمام محتوای کتاب شامل «کلام خداوند که بر هوشع نازل شد» است.

به همین دلیل، می‌توان به درستی نتیجه گرفت که این کتاب در دوران سلطنت حزقیا به نگارش در آمده است. و این یعنی کتاب در زمانی قبل از ۶۸۶ ق. م.، زمانی که قطعا هوشع در حیات نبود، تکمیل شده است. اکنون در کنار بررسی حدود زمانی نگارش کتاب هوشع، باید به محل نگارش آن نیز پردازیم.

### محل نگارش

همانطور که قبلا اشاره کردیم، هوشع احتمالا در اواخر سلطنت یربعام دوم به یهودا مهاجرت کرده است. از آنجه که می‌دانیم او در دوران سلطنت حزقیا یعنی پس از سقوط اسرائیل در سال ۷۲۲ ق. م. می‌زیسته است، می‌توانیم مطمئن باشیم که او کتاب خود را در یهودا نوشته است.

خود کتاب هوشع در ۱: ۱، اطلاعات زیادی در اختیار ما قرار می‌دهد. این آیه پیش از ذکر نام یربعام دوم - پادشاه اسرائیل - به عزیا، یوتام، آحاز و حزقیا که همگی پادشاهان یهودا هستند اشاره می‌کند. با اشاره به پادشاهان یهودا در وهلهٔ اول، هوشع عمدا نشان می‌دهد که او کتاب خود را تحت اقتدار سلسلهٔ داوود در یهودا نوشته است. بنابراین اگرچه نبوت‌های هوشع در وهلهٔ اول خطاب به پادشاهی شمالی اسرائیل نوشته شده، اما هوشع کتاب خود را در یهودا، پادشاهی جنوبی، نوشته است.

اکنون که به بررسی زمان و مکان نگارش کتاب هوشع پرداختیم، وقت آن است که به بررسی موقعیتی که هوشع و مخاطبین او در هنگام نگارش این کتاب در آن به سر می‌بردند پردازیم.

### موقعیت نگارش

همانطور که قبلا اشاره کردیم، وقتی هوشع کتاب خود را نوشت، وطن ثانوی او یعنی یهودا با تهدیداتی از سوی مملکت آشور روبرو بود. در سال ۷۰۱ ق. م. در حین سلطنت حزقیا، سنحاریب، پادشاه آشور به یهودا حمله کرد. بنابراین اگرچه اکثریت نبوت‌های هوشع در رابطه با داوری خدا به وسیلهٔ حملهٔ آشوریان به حکومت شمالی



اسرائیل بود، اما هوشع کتاب خود را به راهنمایی ساکنان یهودا هنگام حمله آشوریان به یهودا اختصاص داد. به همین دلیل لازم است که با وقایع مربوط به حمله سنحاریب آشنا باشیم.

وقایع تاریخی مذکور در کتب پادشاهان و تواریخ به همراه نبوت‌های میکاه و اشعیا، تصویر پیچیده‌ای از سلطنت حزقیا برای ما ترسیم می‌کنند. او در اوایل، اصلاحاتی در یهودا ایجاد کرد و دور آن حصار کشید، و وقتی سنحاریب به سلطنت رسید، از پرداخت مالیات اجتناب کرد. اما حزقیا با افزایش تهدیدات آشوریان به جای طلب کمک از خدا برای حفظ امنیت، با مصر و خدایان آنان پیمان دوستی بست. اما این تلاش بیهوده بود. سنحاریب به یهودا حمله کرد، شهرها و دهکده‌های بسیاری را تخریب نمود و حتی اورشلیم را تحت محاصره خود در آورد. اما درست در همان موقع که اورشلیم در حال سقوط بود، حزقیا نزد خدا دعا کرد و اشعیا نبی به او اطمینان داد که خدا او را نجات خواهد بخشید. همچنانکه در دوم پادشاهان ۱۹: ۳۳-۳۴ می‌خوانیم:

[سنحاریب] به راهی که آمده است به همان برخواهد گشت و به این شهر داخل نخواهد شد. خداوند این را می‌گوید. زیرا که این شهر را حمایت کرده، به خاطر خود و به خاطر بنده خویش داوود، آن را نجات خواهم داد. (دوم پادشاهان ۱۹: ۳۳-۳۴).

نبوت اشعیا به تحقق پیوست و خدا به صورتی معجزه‌آسا اورشلیم را از دست سنحاریب نجات داد.

یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخی در تاریخ اسرائیل، موضوع حمله سنحاریب پادشاه آشور است که آمد تا حزقیا، پادشاه یهودا را شکست دهد... او به طرف یهودا حرکت کرد و عملاً همه شهرهای یهودا را تحت محاصره خود در آورد. تنها یک شهر باقی مانده بود و آن اورشلیم بود. او اورشلیم بود. او اصولاً می‌گوید: «خدای شما نیز مانند خدایان دیگر است. من خداوند خدای اسرائیل را نابود می‌کنم، همانطور که دیگر خدایان را نابود کردم.» سنحاریب متکبرانه به ضد خدای آسمان‌ها سخن می‌گوید، و خدا در پاسخ به او می‌گوید: «قدرت خود را به سنحاریب نشان خواهم داد.» و آنچه خدا انجام می‌دهد نجات خارق‌العاده اسرائیل است. او صد و هشتاد و پنج هزار نفر از ارتش آشور را می‌زند و آنها همگی به قتل می‌رسند. در این وقت سنحاریب گزارشی می‌شنود که احتمالاً شورش در وطن او در جریان است و مجبور می‌شود که به وطن خود بازگردد. ما می‌دانیم که حتی در نوشتجات تاریخی آشور صحبت از این به میان آمده است که حزقیا را مانند یک پرنده در قفس حبس کرده بودند، اما هرگز نمی‌گویند که او را شکست دادند. باید به یاد داشت که آشوریان در ادبیات خود هیچگاه ذکری از شکست خود نمی‌کردند. بنابراین اکتفا به این موضوع که حزقیا را مانند پرنده‌ای در قفس انداختند و بس، خود نشانگر این است که آنها او را شکست نداده بودند. بنابراین حتی نوشتجات ثبت‌شده آشوریان نیز این موضوع را تایید می‌کند.

- دکتر راسل تی. فولر

نجات و رهایی اورشلیم نشانگر این بود که چقدر خدا به پادشاهی یهودا توجه و علاقه داشت. اما با وجود این، مشکلات حزقیا پایان‌ناپذیر بودند. پس از بازگشت سنحاریب به سرزمین خود، حزقیا هنوز از حملات بعدی آشوریان در هراس بود. متأسفانه او به جای توکل و اتکا بر خدا، حزقیا دوباره به راه‌های پیشین خود بازگشت و این بار نه از مصر بلکه از پادشاهی در حال پیشرفت بابل طلب یاری کرد. عدم توکل حزقیا پس از جریان رهایی اورشلیم، بی‌وفایی بزرگی نسبت به خدا بود. اشعیای نبی بلافاصله او را تهدید کرد که خزائن سلطنتی یهودا توسط بابلیان به تاراج برده خواهند شد. به سخنان اشعیا در دوم پادشاهان ۲۰: ۱۷-۱۸ توجه کنید:

اینک روزها می‌آید که هرچه در خانهٔ توست و آنچه پدرانیت تا امروز ذخیره کرده‌اند، به بابل برده خواهد شد. و خداوند می‌گوید که چیزی باقی نخواهد ماند. و بعضی از پسرانیت را که از تو پدید آیند و ایشان را تولید نمایی، خواهند گرفت و در قصر پادشاه بابل، خواجه خواهند شد. (دوم پادشاهان ۲۰: ۱۷-۱۸)

متأسفانه، هنگامی که حزقیا این سخنان را شنید، از بی‌وفایی خود نسبت به خدا توبه نکرد؛ بلکه با آسودگی خاطر پاسخ داد که اینها در زمان او اتفاق نخواهد افتاد.

عدم وفاداری حزقیا نسبت به خدا قبل و بعد از رهایی اورشلیم در سال ۷۰۱ ق.م. آنقدر مهم بود که احتمالاً انگیزهٔ هوشع برای نگارش کتابش شد. از طرفی ممکن است که هوشع این کتاب را قبل از رهایی اورشلیم از دست سنحاریب نوشته باشد. حملهٔ سنحاریب به اورشلیم و محاصرهٔ آن موجب بسیاری از نبوت‌ها شد. بنابراین این احتمال بسیار زیاد است که خدا هوشع را خوانده باشد تا کتاب خود را در این زمان بنویسد تا با اشاره به حملهٔ سنحاریب به اورشلیم و محاصرهٔ آن شکست‌های حزقیا را مورد خطاب قرار می‌دهد.

از سوی دیگر، این احتمال نیز هست که هوشع درست پس از رهایی اورشلیم شروع به نوشتن کتاب خود کرده باشد. همانطور که قبلاً اشاره کردیم، اگرچه خدا اورشلیم را رهایی داده بود، بعدها حزقیا در وفاداری خود نسبت به خدا از خود ضعف نشان داد و دست یاری به سوی بابل دراز کرد. عدم وفاداری حزقیا به خدا آیندهٔ یهودا را به مخاطره انداخت. بنابراین این دو احتمال هر دو قوی هستند که هوشع کتاب خود را نوشت تا بحران‌های قبل یا بعد از رهایی اورشلیم از سنحاریب را مورد خطاب قرار دهد.

پس از بررسی زمان، مکان و موقعیت نگارش کتاب، می‌توان به آسانی به مقصود آن پی برد. خوشبختانه نیازی به حدس و گمان نیست، چون هوشع خود بسیار واضح مقصود خویش از نگارش این کتاب را آشکار می‌کند.

### مقصود نگارش

در هوشع ۱۴: ۹ که آخرین آیه کتاب هوشع است، هوشع مقصود خود را چنین خلاصه می‌کند:

کیست مرد حکیم که این چیزها را بفهمد و فهیمی که آنها را بداند؟ زیرا طریق‌های خداوند مستقیم است و عادلان در آنها سلوک می‌نمایند، اما خطاکاران در آنها لغزش می‌خورند. (هوشع ۱۴: ۹)

این آیه بدون ارتباط با آیات قبلی و به صورت مستقل در پایان کتاب به صورت نصایح نهایی به مخاطبین اولیه ارائه داده شده است. هوشع از مخاطبین اصلی خود در یهودا درخواست می‌کند که با ایمان به اینکه «همه راه‌های خداوند راست است»، «حکیم» و «تمییزدهنده» باشند. به عبارت دیگر، هوشع امید دارد که اهالی یهودا از مجموعه نبوت‌های او حکمت حاصل کنند. او از آنها می‌خواهد تا شرایط خود را در پرتو این حقیقت ببینند که «عادلان» یعنی آنانی که دریافت‌کننده برکات خدا هستند، در راه‌های خدا گام بر می‌دارند. اما «خطاکاران» یعنی آنانی که دریافت‌کننده داوری و مجازات خدا هستند با حماقت خود در آنها لغزش می‌خورند.

اگرچه عناصر حکمت سنتی اسرائیل در نوشته‌های دیگر کتب نبوتی نیز ظاهر شده است، اما دعوت بی‌باکانه هوشع برای دریافت حکمت غیر معمول است. ولی توجه هوشع به حکمت، به خوبی با اوضاع و شرایط زمان حزقیا مطابقت دارد. بر اساس کلام خدا، ما می‌دانیم که حزقیا با مردانی که با حکمت سنتی اسرائیل به خوبی آشنا بودند هم‌نشینی می‌کرد. در واقع در امثال ۲۵: ۱، باب‌های ۲۵-۲۹ را به عنوان «امثال سلیمان است که مردان حزقیا، پادشاه یهودا آنها را نقل نمودند» معرفی می‌کند. ظاهراً این «مردان حزقیا» جمعی از افراد حکیم و مورد احترام بودند که حزقیا در صحن خود با آنان نشست و برخاست می‌کرد. این احتمال بسیار زیاد است که هوشع نیز دعوت به حکمت خود را مستقیماً خطاب به حزقیا و مردان حکیم و خداترس او نوشته باشد. در پرتو این حقیقت می‌توانیم مقصود کتاب هوشع را اینطور خلاصه کنیم:

کتاب هوشع رهبران یهودا را می‌خواند تا در شرایط سختی که به خاطر حمله سنحاریب با آن روبرو بودند، از آنچه خدا در طول خدمت هوشع مکشوف کرده بود، حکمت حاصل کنند.

همانطور که این خلاصه عنوان می‌کند، مقصود این کتاب تنها مجموعه‌ای از برخی پیشگویی‌های مربوط به آینده نیست، بلکه هدف اصلی هوشع این بود که رهبران یهودا در زمان حزقیا را بخواند تا از راه‌های حکیمانه خدا پیروی کنند. حزقیا و مردانش، در چالش‌های مربوط به تهدیدات سنحاریب از مکاشفات دوران هوشع درس آموختند

و در این تهدیدات یهودا را رهبری نمودند. این رهبران، پیش از رهایی اورشلیم از سنحاریب و هم بعد از آن در عمق پریشانی به تدبیر و حکمت نیاز داشتند و کتاب هوشع آن را برای آنان فراهم می‌کرد. تاکنون در مقدمه کتاب هوشع، ما پیش‌زمینه نبی و کتاب او را مورد بررسی قرار داده‌ایم. حال نگاهی اجمالی به محتوا و ساختار کتاب هوشع خواهیم انداخت.

## محتوا و ساختار

متأسفانه، بسیاری از اوانجلیکال‌ها زمینه تاریخی‌ای را که در آن هوشع نبوت‌های خود را دریافت نمود، نادیده می‌گیرند. آنها همچنین تمرکز خود را بر بخش‌های کوچک‌تر کتاب می‌گذارند، گویی که این بخش‌ها از یکدیگر متمایز هستند. قطعاً بی‌توجهی نسبت به زمینه تاریخی و تمایل به تجزیه، موجب بروز دیدگاه‌های بسیاری شده است. اما ما در مطالعه این کتاب راهکار دیگری را دنبال می‌کنیم: خواهیم دید که زمینه‌های تاریخی خدمت هوشع در درک نبوت‌های او نقشی حیاتی ایفا می‌کنند. همچنین به جای تمرکز بر بخش‌های کوچک و مستقل از هم، به ارتباط منطقی که این بخش‌ها با بخش‌های بزرگتر کتاب دارند، خواهیم پرداخت. این راهکار به ما کمک خواهد کرد به روشنی ببینیم که هوشع چگونه کتاب خود را برای حکمت بخشیدن به رهبران یهودا که مخاطبین اصلی او بودند طرح‌ریزی کرد. همچنین به ما کمک خواهد کرد تا ببینیم چطور می‌توانیم امروزه از کتاب هوشع حکمت بیاموزیم.

خود را دوباره جای هوشع بگذارید. بر خلاف بسیاری از انبیای دیگر که مدت خدمت‌شان کوتاه بود، هوشع حدود شصت سال از خدا مکاشفات دریافت کرد – از دهه آخر سلطنت یربعام دوم تا سلطنت حزقیا. در طول این چند دهه، خدا مسائل زیادی را بر او آشکار کرد؛ احتمالاً بسیار بیشتر از آنچه که در محتوای ۱۴ فصل کوتاه کتاب او گنجانیده شده است.

برای درک اینکه هوشع چطور کتاب خود را شکل داد، باید این موضوع را به خاطر داشته باشیم که خدا به همه مکاشفات را یک‌باره به هوشع نداد. همانطور که دادیم، خدا این مکاشفات را در سه دوره روی کار آمدن امپراتوری آشور در سال ۷۴۴ ق. م؛ حمله آشوریان در سال ۷۳۲ ق. م؛ و حمله آشوریان در ۷۲۲ ق. م. بر هوشع مکشوف کرد. اگر این دوره‌های مختلف تاریخی را در ذهن نداشته باشیم، به نظر می‌رسد که هوشع در موارد متعددی خود را نقض می‌کند؛ به طور خاص، در نبوت‌هایش درباره یهودا. اما در واقعیت، می‌بینیم که دیدگاه‌های نبوتی هوشع تغییر می‌کنند چون او به شرایط مختلفی اشاره می‌کند.

اکنون، به همان اندازه که ترتیب زمانی کتاب هوشع مهم است، باید به این نکته نیز دقت کنیم که هوشع نبوت‌های خود را به شکل موضوعی مرتب کرده است. قبلا در این درس دیدیم که هوشع ۱: ۱ عنوان این کتاب است و برای معرفی کامل جدول زمانی خدمت هوشع طراحی شده بود. و هوشع ۱۴: ۹ با خاتمه‌ای که مقصود هوشع از نگارش این کتاب را خلاصه می‌کند، یعنی فراخوانی قوم خدا به کسب حکمت از کتاب او، کتاب را پایان می‌دهد. محتوای اول و آخر کتاب نشان می‌دهد که آنها مربوط به زمانی می‌شوند که هوشع کتاب خود را در حدود حمله سنحاریب در ۷۰۱ ق. م. می‌نوشت. اما بین ابتدا و انتهای کتاب، بخش اصلی هوشع شامل سه قسمت بزرگ است که هر یک تاکیدات موضوعی منحصر به خود را داراست.

بخش اول در ۱: ۲-۳: ۵ بر داوری و امید از سوی خدا تاکید می‌کند. این فصول اولیه به نبوت‌های اولیه‌ای که هوشع در دوران سلطنت یربعام دوم دریافت کرد اشاره می‌کند. نبوت‌هایی که به ظهور امپراتوری آشور در ۷۴۴ ق. م. اشاره می‌کنند. هوشع با دقت، طوری این نبوت‌ها را جمع‌آوری کرد و در کنار هم قرار داد که بین داوری‌ای که خدا درصدد بود بر قوم خود اعمال کند و برکاتی که آنها در آینده قرار بود دریافت کنند، تعادل ایجاد کند.

بخش دوم در ۴: ۱-۹: ۹ پرده‌برداری از داوری و مجازات خدا را در بر می‌گیرد. بر خلاف بخش اول، این قسمت شامل نبوت‌هایی است که هوشع در اواخر عمر خود یعنی در زمان حمله آشور در سال ۷۳۲ ق. م. و حمله بعدی آنان در ۷۲۲ ق. م. دریافت کرد. این فصل‌ها به طور انحصاری بر موضوع داوری و مجازات الهی تمرکز می‌کنند. و نیز این نکته را برجسته می‌کنند که شدت داوری خدا چگونه در طول این فصول از خدمت هوشع افزایش یافت.

بخش سوم در ۹: ۱۰-۱۴: ۱۸ به طور خاص از امیدی که از سوی خدا می‌آید پرده‌برداری می‌کند. این آخرین بخش همچنین شامل مکاشفاتی است که هوشع درباره دو حمله آشور در سال‌های ۷۳۲ ق. م. و ۷۲۲ ق. م. دریافت کرد. اما در این بخش توجه خاصی به موضوع امید شده است؛ امیدی که خدا برای آینده قوم خود در طول این برهه از خدمت هوشع آشکار کرد.

بدون در نظر گرفتن اهمیت این تقسیم‌بندی تاریخی و موضوعی، تفسیر کتاب هوشع بسیار دشوار می‌بود. در بسیاری موارد آنها مانند کلیدی عمل می‌کنند که حکمتی که هوشع در نظر داشت به مخاطبین اصلی خود در زمان حکومت حزقیا منتقل کند را می‌گشایند.

در درس بعدی نگاه دقیق‌تری به حکمت هوشع خواهیم داشت، اما اکنون خوب است که به معرفی محتوا و ساختار هر یک از این سه بخش اصلی بپردازیم. بیایید با اولین بخش درباره داوری و امید از سوی خدا در ۱: ۲-۳: ۵ شروع کنیم. این فصول اولیه کتاب هوشع با دقتی خاص داوری قریب‌الوقوع بر قوم خدا را با برکاتی که پس از آن قرار بود جاری شوند در تعادل قرار می‌دهد.

### داوری و امید (۱: ۲-۳: ۵)

همانطور که قبلاً نیز اشاره کردیم، این فصول اولیه در برگیرنده خدمت یوشع در دوران یربعام دوم است؛ زمانی که خدا بر هوشع مکشوف کرد که امپراتوری آشور به عنوان ابر قدرت در سال ۷۴۴ ق. م. روی کار خواهد آمد. اما چطور می‌دانیم که این زمانی است که هوشع مکاشفات خود را دریافت کرده است؟ هوشع ۱: ۲ با این عبارت، این حقیقت را بر ما آشکار می‌کند: «نخستین باری که خداوند با هوشع سخن گفت» (مژده).

سایر متن‌های موجود در این فصول نیز این زمینه تاریخی را تایید می‌کند. هوشع اول توجه را به این جلب می‌کند که وقتی اسرائیل اوقاتی پر از سعادت و کامیابی داشت، در بت‌پرستی و بی‌عدالتی افتاد. او همچنین نشان داد که خدا مصمم است تا بلایایی را از طریق تسلط آشوریان بر اسرائیل، بر آنها بریزد. این حقایق همه مربوط به سال‌های اولیه خدمت هوشع است.

دوم اینکه، توجه هوشع به یهودا در این بخش، همچنین تایید می‌کند که هوشع این نبوت‌ها را در قسمت اول خدمت خود دریافت کرد. به یاد می‌آورید که در این دوران حزقیا به عنوان پادشاهی عادل در یهودا سلطنت می‌کرد. بنابراین، همانطور که انتظار داریم، این فصول فاقد هر نوع تهدیدی علیه حکومت جنوبی یهودا است. بخش اول بارها به صورت مثبت درباره یهودا صحبت می‌کند. به طور نمونه به ۱: ۶-۷ گوش کنید که خدا خط قاطعی بین اسرائیل و یهودا می‌کشد. در اینجا خدا می‌گوید:

بار دیگر بر خاندان اسرائیل رحمت نخواهم فرمود، بلکه ایشان را از میان بالکل خواهم برداشت. لیکن بر خاندان یهودا رحمت خواهم فرمود و ایشان را به یهوه خدای ایشان نجات خواهم داد. (هوشع ۱: ۶-۷)

اگرچه داوری قریب‌الوقوعی به وسیله آشوریان در انتظار پادشاهی شمالی بود، اما این متن به طور واضح نشان می‌دهد که در این زمان خدا بر یهودا رحمت می‌کرد و آنها را نجات می‌بخشید. هوشع در ۱: ۱۱ نیز به یهودا با دیدی مثبت اشاره می‌کند:

بنی یهودا و بنی اسرائیل با هم جمع خواهند شد و یک رئیس به جهت خود نصب [می‌کنند] (هوشع ۱: ۱۱)

در اینجا هوشع اشاره می‌کند که همچنان که اسرائیل متحمل داوری آشوریان شد، امید آنان برای برکات الهی از اتحاد آنان با یهودا تحت یک پادشاه می‌آمد. به طریق مشابهی، هوشع در ۳: ۵ گفت:

بعد از آن بنی اسرائیل بازگشت نموده، یهوه خدای خویش و پادشاه خود داوود را خواهند طلبید. و در ایام بازپسین به سوی خداوند و احسان او با ترس خواهند آمد. (هوشع ۳: ۵)

ارجاع مستقیم به داوود به عنوان «پادشاه خود» به طور واضح نشانگر دید مطلوب نسبت به یهودا است، زیرا یهودا با پادشاهانی از نسل داوود اداره می‌شد. این دید مثبت هوشع در طول بخش اول کتاب نشان می‌دهد که او این نبوت‌ها را در اوایل خدمت خود، زمانی که عزیا یهودا را به راه‌های خدا رهبری می‌کرد، دریافت کرده است. با این مقدمه دربارهٔ بخش اول کتاب هوشع، اجازه بدهید مختصراً توضیح بدهیم که این فصول چگونه موضوع داوری و امید الهی را به تصویر می‌کشند. هوشع این فصول را به سه قسمت اصلی تقسیم کرده است. قسمت اول، تجربیات اولیهٔ خانوادگی او را در ۱: ۲-۲: ۱ توضیح می‌دهد.

### تجربیات اولیهٔ خانوادگی (۱: ۲-۲: ۱)

این قسمت به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود. بخش اول در ۱: ۲-۹، به یک داستان خانوادگی اشاره می‌کند. این داستان اینچنین آغاز می‌شود که خدا به هوشع فرمان می‌دهد که با زنی به نام جوهر که یکی از فاحشه‌های معبد بت‌پرستان بود ازدواج کند. هنگامی که فرزندان آنان متولد می‌شوند، خدا به هوشع می‌گوید نام‌هایی بر آنها بگذارد که هر یک از این نام‌ها سمبل داوری قریب‌الوقوع خدا علیه اسرائیل بود. این داستان توجه را به تجربیات سختی که به وسیلهٔ آشوریان بر اسرائیل وارد می‌شد، جلب می‌کند. اما هوشع در کنار تمرکز بر داوری سخت الهی، بخش دومی در هوشع ۱: ۱۰-۲: ۱ که در برگیرندهٔ نبوت‌های امیدوارکننده هست را اضافه می‌کند. به عنوان یک نمونه، هوشع در ۱: ۱۰ این را آشکار می‌کند:

لیکن شمارهٔ بنی اسرائیل مثل ریگ دریا خواهد بود... در مکانی که به ایشان گفته می‌شد شما قوم من نیستید، در آنجا گفته خواهد شد پسران خدای حی می‌باشید. (هوشع ۱: ۱۰)

اگرچه خدا در شرف ارسال داوری بر اسرائیل بود، اما هوشع اضافه می‌کند که همچنان برای نوادگان اسباط اسرائیل آیندهٔ پر برکتی در انتظار است.

قسمت دوم داوری و امید الهی بر اولین شکایت خدا در کتاب هوشع ۲: ۲-۲۳ متمرکز است.

### شکایت‌نامهٔ خدا (۲: ۲-۲۳)

این آیات توجه را از تجربیات خانوادگی هوشع بر زمین به صحنهٔ دادگاهی در آسمان معطوف می‌کند که اقداماتی قانونی در آن در حال اجرا است. در عهد عتیق خدا غالباً برای مکشوف ساختن نقشه‌های خود برای آینده، به انبیا مکاشفه‌ای ارائه داده است که منعکس‌کنندهٔ تبادل نظری قانونی در دادگاه آسمانی است. ما از برخی از این مکاشفات با عنوان «شکایت‌نامه» نام می‌بریم چون آنها توصیف نسبتاً کاملی از اقدامات دادگاه خدا به دست می‌دهند. آنها معمولاً خدا را نشسته بر تخت خود به تصویر می‌کشند، احضارشدگان در دادگاه حاضر شده‌اند و گزارش اتهامات بر علیه شخص مقصر ارائه و صحبت‌هایی با فرد مجرم انجام می‌شود. و رای اعلام می‌شود.

تعدادی از موعظه‌هایی که توسط انبیا دربارهٔ داوری انجام شده‌اند شکل شکایت‌نامه‌ای را دارند که به دلیل پیمان‌شکنی طرف مقابل شکل گرفته‌اند. ایدهٔ شکایت از پیمان‌شکنی بر اساس یک دیپلماسی بین‌المللی است. بهترین نمونه، نامه‌های دیپلماتیکی است که از حتیان بر جا مانده‌اند. به وسیلهٔ این نامه‌ها یک دیپلمات حتی می‌توانست به کشوری که با آن پیمان بسته بودند برود و از پادشاهی که پیمان‌شکنی کرده بود شکایت کند. انبیا نیز اینچنین نقشی داشتند. متون زیادی در کتاب مقدس به طور مفصل‌تری به چنین نمونه‌هایی اشاره می‌کنند. اینگونه شکایت‌نامه‌ها از عناصر مختلفی تشکیل شده بودند. متون بی‌شماری وجود دارند که حاوی اینچنین عناصری هستند. این عناصر در برگیرندهٔ احضاریه‌ای بود که به شخص متهم و شاهدین ارسال می‌شد. شخص دیگری در دادگاه تاریخچه‌ای از پیمان بسته شده بین دو حاکم، پادشاه برتر و پادشاه خراج‌گزار را قرائت می‌کرد. او سپس جرم و اتهام کشور خراج‌گزار را در شکستن پیمان اعلام می‌کرد و سپس رای محکومیت در قبال شکستن عهد صادر می‌شد.

- دکتر داگلاس گراپ

اولین شکایت‌نامهٔ آسمانی در کتاب هوشع، در ۲: ۲ آغاز می‌شود که خدا با این کلمات اسرائیل را به دادگاه احضار می‌کند:

محاجه نمایید! با مادر خود محاجه نمایند. (هوشع ۲: ۲)

برای مخاطبین امروزی، شاید این احضاریه به دادگاه عجیب باشد. اما در واقع کلمهٔ «محاجه» در اینجا ترجمهٔ فعل عبری «ریب» (rib) است. این اصطلاح غالباً در کتب نبوتی برای یک «مجادلهٔ قانونی» و یا «شکایت‌نامه» در دادگاه آسمانی استفاده می‌شد. «مادر» در این آیه اشاره به سامره، پایتخت پادشاهی اسرائیل است که رهبران اسرائیل در آن ساکن بودند. بنابراین در واقع خدا مردم اسرائیل را احضار می‌کند تا به شکایت‌نامه‌ای



آسمانی که او بر علیه رهبران‌شان در سامره ترتیب داده است وارد شوند - شکایت‌نامه‌ای که توسط خود خدا تنظیم شده است.

به سراسر این شکایت‌نامه، خدا به راه‌هایی اشاره می‌کند که رفتار اسرائیل به رفتار جومر، همسر هوشع شباهت دارد. جومر نسبت به هوشع وفادار نبود و موجب محنت فرزندان‌ش شد. و رهبران اسرائیل نسبت به خدا وفادار نبودند و موجب محنت پادشاهی اسرائیل شدند. اما در این شکایت‌نامه، هوشع تنها به این موضوع اشاره نمی‌کند که خدا پادشاهی اسرائیل را در اثر عهدشکنی به رنج و لعنت محکوم کرده است. او همچنین اشاره می‌کند که خدا روزی اسرائیل را به سوی خود جذب خواهد نمود. پس از یک زمان داوری، خدا اسرائیل را دوباره به سوی خود بر می‌گرداند و به اسباط شمالی رحمت نشان خواهد داد.

هوشع پس از اشاره به دادگاه آسمانی تمرکز خود را از داوری و امید آینده بر می‌دارد و در ۳: ۱-۵ به شرح یکی از تجربه‌های اخیر خانوادگی خود می‌پردازد.

### تجربه خانوادگی اخیر (۳: ۱-۵)

به موازات تجربه خانوادگی اولیه، هوشع با شرح حال خود در ۳: ۱-۳ آغاز می‌کند. همسر او دوباره به زندگی گذشته خود به عنوان فاحشه معبد باز می‌گردد، اما خدا به هوشع فرمان می‌دهد که دوباره به او محبت نشان دهد. بنابراین، هوشع جومر را می‌خرد و به خانه بر می‌گرداند.

پس از شرح این روایت کوتاه، هوشع به سری دوم نبوت‌های امیدبخش خود در ۳: ۴-۵ اشاره می‌کند. در این آیات، هوشع توضیح می‌دهد که ملکوت اسرائیل برای مدتی متحمل سختی‌ای که از طرف خدا بر او اعمال شده خواهد شد. اما در آینده روزی فرا خواهد رسید که رابطه اسرائیل با خدا منجر به برکت عظیمی برای اسرائیل خواهد شد.

در این داستان تمثیلی هوشع، یک نبی محترم در بین قوم خود، سمبل خدا است. البته خدا بسیار عظیم‌تر از هوشع است، اما این یک استعاره است. از سوی دیگر، زن فاحشه سمبل مردم اسرائیل است... آنها با ترک خدا و پرستش خدایان غیر، مرتکب زناکاری شدند. بنابراین خدا از هوشع خواست تا داستان او را منعکس کند: «اگرچه مردم اسرائیل از من دور افتاده‌اند، سایر خدایان را می‌پرستند و به گناهان مصر بازگشته‌اند، با این وجود من به سوی آنها رفته آنها را به زنی گرفتم. در حالیکه هنوز از من دور بودند و در رابطه‌شان با من مرتکب زناکاری شدند، من آنها را نجات دادم. محبت من نسبت به آنها به این دلیل نبود که آنها خوب بودند که من نجات‌شان دادم، نه! به خاطر فیض خود آنها را نجات بخشیدم.» آنچه تعجب‌برانگیزتر است، اینکه خدا به هوشع از قبل گفته بود که بعد از ازدواج با این زن، او دوباره به فاحشگی خود ادامه خواهد داد. اما او از هوشع می‌خواهد که دوباره به سوی او برود و او را بر گرداند. این

دقیقا همان چیزی است که خداوند ما با مردم اسرائیل انجام داد. خدا با وجود اینکه آنها در روحیه‌ای زناکار نسبت به او در مصر زندگی می‌کردند، آنها را نجات داد. آنها پس از نجات از مصر وارد رابطه‌ای با خدا شدند که مبتنی بر یک پیمان بین آنها و خدا بود، اما قوم اسرائیل دوباره به زناکاری با سایر خدایان بازگشتند. خدا اگرچه آنها را تنبیه کرد، اما مثل هوشع که به دنبال همسر زناکار خود رفت تا او را بازگرداند، خدا نیز به دنبال «زن» خود (یعنی قومی که بعد از پیمان ازدواج با او دوباره به سوی زناکاری رفتند) رفت تا او را بر گرداند.

- شریف عاطف فہیم

بدین ترتیب هوشع با گزینش و گردآوری برخی از نبوت‌های خود که مربوط به سال‌های اول خدمتش بود، دیدگاهی متعادل بین تنبیه و برکات آینده‌الاهی به رهبران یهودا در زمان حزقیا ارائه داد. در زمان این کتاب، تهدید خدا به داوری با سقوط پادشاهی شمالی محقق شده بود. اما قوم خدا امید خود را از دست ندادند. این زمان سخت داوری به آینده‌ای اشاره می‌کرد که اسرائیل در آن برکات عظیمی از خدا دریافت می‌کرد.

پس از ارائه تعادل بین داوری خدا و امید از سوی او در بخش اول، بخش دوم توجه ما را به داوری در حال ظهور خدا در ۴: ۱-۹: ۹ جلب می‌کند.

### پرده‌برداری از داوری (۴: ۱-۹: ۹)

ما به این بخش از هوشع عنوان پرده‌برداری از داوری می‌دهیم چون این متون شامل مکاشفاتی هستند که هوشع طی دورانی طولانی دریافت کرد. و ما از آن به عنوان «داوری» صحبت می‌کنیم، چون این بخش منحصر بر راه‌هایی تمرکز می‌کند که خدای بلایای خود را علیه اسرائیل و یهودا در طول این دهه‌های خدمت هوشع اعمال کرد.

به طور کلی، این فصول درباره پرده‌برداری از داوری به دو قسمت اصلی تقسیم می‌شود: شکایت‌نامه‌های بیشتر خدا در ۴: ۱-۵: ۷ و سپس اظهارهای خدا در ۵: ۸-۹: ۹. بیایید ابتدا به شکایت‌های خدا بپردازیم.

### شکایت‌نامه‌های خدا (۴: ۱-۵: ۷)

اولین شکایت خدا در این بخش در ۴: ۱-۱۹: ۱ ظاهر می‌شود. یک بار دیگر، خدا با آگاهی بخشیدن به هوشع از تبادل نظری قانونی در دادگاه آسمانی، نقشه خود را بر او مکشوف می‌کند. به احضاریه در ۴: ۱ توجه کنید:

ای قوم اسرائیل، به کلام خداوند گوش کنید. خداوند شما را به محاکمه کشیده و این است اتهامات شما... (هوشع ۴: ۱، ترجمه تفسیری)

همانطور که این آیه آغازین اشاره می‌کند، خدا قوم اسرائیل را به دادگاه احضار می‌کند چون علیه آنها اتهاماتی دارد. در اینجا اصطلاح «اتهام» ترجمه اصطلاح عبری «ریب» است که بیشتر آموختیم که اصطلاح قانونی برای یک شکایت‌نامه است.

قرار دادن این اولین شکایت‌نامه در اولین قسمت این بخش، و همچنین محتوای آن، قویا نشانگر این مطلب است که این یکی از اولین نبوت‌های هوشع درباره حمله آشور در سال ۷۳۲ ق. م. است. همانطور که به یاد دارید، در این دوران مناحیم و فقحیا به ترویج بت‌پرستی و بی‌عدالتی ادامه دادند. و هنگامی که مناحیم تحت تهاجم و تاراج مختصر آشور قرار گرفت، به جای طلب کمک از خدا، او و بعد فقحیا پس از او، پیمان دوستی خود با آشوریان و خدایان آنها را محکم‌تر کردند.

خدا طی این شکایت‌نامه، اسرائیل را به اینچنین گناہانی متهم می‌کند. و بدون اینکه جای تعجب باشد، خدا اعلام می‌کند که او به وسیله حمله سخت آشوریان آنان را تنبیه خواهد کرد – به احتمال قوی اشاره‌ای است به حمله ۷۳۲ ق. م. قوی‌ترین سند این واقعه تاریخی، یک چیز است که هوشع درباره یهودا در این اولین شکایت‌نامه می‌گوید. به آنچه هوشع در ۴: ۱۵ نوشت گوش کنید:

ای اسرائیل اگر تو زنا می‌کنی، یهودا مرتکب جرم نشود. (هوشع ۴: ۱۵)

همانطور که در این آیه مشخص است، خدا تمایزی قوی بین شرایط اسرائیل و شرایط یهودا قائل می‌شود. اسرائیل به خاطر عدم وفاداری به خدا، مجرم بود. اما خدا صرفاً به یهودا هشدار می‌دهد تا مثل اسرائیل شمالی عمل نکند. این تضاد بین وضعیت اسرائیل و یهودا، شرایط زمانی در یهودا را به یاد ما می‌آورد که عزیا و یوتام به عنوان پادشاهانی عادل حکومت می‌کردند. بنابراین قبل از حمله سال ۷۳۲ ق. م. خدا هیچ بلایی علیه یهودا اعلام نکرد. این وقایع ما را به شکایت‌نامه بعدی خدا در ۵: ۱-۷ رهنمون می‌کند. در اینجا صحنه‌ای دیگر از دادگاه آسمانی را می‌بینیم. به شکلی که ۵: ۱ متهم را به دادگاه احضار می‌کند گوش کنید:

ای کاهنان بشنوید! ای قوم اسرائیل توجه کنید! ای خاندان پادشاه گوش بدهید! شما محکوم هستید. (هوشع ۵: ۱، مزده)

اگرچه این آیه از اصطلاح حقوقی «شکایت‌نامه» (rib) در عبری استفاده نمی‌کند، اما در اینجا می‌بینیم که خدا مجرم را به دادگاه احضار می‌کند - «کاهنان»، «قوم اسرائیل» و «خاندان پادشاه» - و اعلام می‌کند که هدف از این احضار داوری - یا «میش‌پات» (mishpat) در عبری است. همانند واژه ریب (rib) این اصطلاح به تبادل نظر قانونی در دادگاه آسمانی اشاره می‌کند.

محتوای این شکایت‌نامه دوم نشان می‌دهد که این نبوت به زمانی بر می‌گردد که در حالیکه حمله آشور در ۷۳۲ ق. م. نزدیک‌تر می‌شد، هوشع نبوت‌های اخیر خود را دریافت و منتقل کرده بود. وقتی هوشع ۵: ۱ اشاره می‌کند که سرشناسان اسرائیل بر مردم مصغه و تابور ستم کردند، به این جهت‌گیری تاریخی اشاره می‌کند. این مورد مهم است زیرا شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد که این دو مکان تا زمان حمله تِغَلْتَفَلَسَر در سال ۷۳۲ ق. م. تحت تسلط اسرائیل قرار داشت. همچنین قابل توجه است که در ۵: ۱۳ خدا اسرائیل را متهم می‌کند که بیهوده از تِغَلْتَفَلَسَر سوم یا آنچنان که در این آیه «پادشاه بزرگ» خوانده شده، تقاضای کمک کرده است.

به یاد دارید که در این زمان در اسرائیل، فقهیای پادشاه به بت‌پرستی و بی‌عدالتی ادامه می‌داد. او همچنین با سوریه عهد دوستی بست - ائتلاف سوری-اسرائیلی - تا در برابر پرداخت مالیات به آشور مقاومت کند. بنابراین شکایت‌نامه اخیر خدا هشدار می‌داد که بلایا علیه اسرائیل از طریق حمله ویرانگر آشوریان خواهند آمد.

یک بار دیگر، مهم‌ترین سند این واقعه تاریخی، توجه هوشع به یهودا است. همانطور که پیشتر در این درس اشاره کردیم، آحاز درست قبل از تشکیل ائتلاف سوری-اسرائیلی به سلطنت رسیده بود. اما آحاز بر خلاف پدر و پدربزرگش به ترویج بت‌پرستی و بی‌عدالتی در یهودا پرداخت. او همچنین برای حفظ امنیت خود در برابر دشمنان، با آشوریان و خدایان آنها پیمان دوستی بست. در نتیجه، در این شکایت‌نامه اخیر خدا اولین بار یهودا را به بلایا تهدید می‌کند. به طریقی که ۵: ۵ به یهودا اشاره می‌کند گوش کنید:

اسرائیل... در زیر بار گناه می‌لغزند و یهودا هم با آنها یک جا به زمین می‌خورد. (هوشع ۵: ۵)

به این تضاد با شکایت‌نامه قبلی خدا توجه کنید. در ۴: ۱۵ خدا از یهودا می‌خواهد که مثل اسرائیل گناهکار نشود. اما چنانکه این آیه نشان می‌دهد، در زمان این شکایت‌نامه اخیر، یهودا نیز در حضور خدا مانند اسرائیل مجرم است چون آحاز آنان را به گمراهی رهبری کرده است.

سوریه و اسرائیل، آن ائتلاف، در حقیقت در دوران آحاز به یهودا حمله کرد و سعی کرد یهودا را مجبور کند که به این ائتلاف علیه آشور بپیوندد. نتیجه این عمل قابل پیش‌بینی بود. آشوریان خوش‌شان نیامد و در نتیجه تنها چند سال بعد وارد شدند و سوریه را کاملاً ویران کردند و اسرائیل را به زانو در آوردند و آنها را تبدیل به خراج‌گزارانی

کردند که خراج سنگینی به پادشاهی آشور بدهکار بودند. و در حقیقت، پادشاهی جنوبی متحمل رنج زیادی شد چون نه تنها تحت حمله این ائتلاف قرار گرفته بود، بلکه برای دفاع، خودش را به امپراتوری آشور سپرده بود. اشعیای نبی عملاً به آواز گفت: «این کار را نکن. از خدا کمک بطلب و او تو را در برابر این ائتلاف عظیمی که به تو حمله می‌کند، حفظ خواهد کرد.» اما آواز قبول نکرد. او گفت: «نه، من به کمک چیزی احتیاج دارم که بتوانم آن را بینم و آن امپراتوری آشور است.» بنابراین بعداً در آن زمان، یهودا خود نیز تبدیل به ملت خراج‌گزار امپراتوری آشور شد. - دکتر ریچارد ال. پرت

در ادامه شکایت‌نامه‌های خدا، نبوت‌های هوشع دربارهٔ پرده‌برداری از داوری تبدیل به ندای هشدار خدا در ۵: ۸-۹: ۹ می‌شود.

### ندای هشدار خدا (۵: ۸-۹: ۹)

در اسرائیل باستان، معمولاً ارتش با دمیدن درون یک شاخ توخالی قوچ به نبرد خوانده می‌شدند که در عبری شوفار (shophar) خوانده می‌شود، - یا یک شیپور نقره‌ای - که در عبری چاتس‌اوتسرا (chatsotsrah) نامیده می‌شود. در چندین مورد، خدا خودش با اشاره به این عمل اعلام جنگ کرده یا به جنگ فراخوانده است. در این بخش، دو مورد از چنین فراخوانی را می‌بینیم.

**اولین ندای هشدار (۵: ۸-۷: ۱۶):** اولین ندای هشدار در ۵: ۸-۷: ۱۶ یافت می‌شود. این هشدار اینگونه آغاز می‌شود. در جبعه کرنا را بنوازید (شوفار) و در جبعه شیپور را به صدا در آورید (چاتس‌اوتسرا). هنگامی که محتوای این اولین ندای هشدار را مورد بررسی قرار می‌دهیم، به نظر می‌رسد که مربوط به نبوت‌های اولیهٔ هوشع در ارتباط با حملهٔ اول آشور در سال ۷۲۲ ق. م. است. به عنوان سند، دو متن هوشع ۵: ۱۱ و ۶: ۱ به حملهٔ پیشین آشور در ۷۳۲ ق. م. اشاره می‌کنند. هوشع ۵: ۱۱ اشاره می‌کند که اسرائیل چگونه تحت ظلم و ستم آشوریان خرد و شکسته شده بود. هوشع ۶: ۱ متذکر می‌شود که اسرائیل «دریده» و «مجروح» شده است. به علاوه در ۷: ۱۱ خدا اسرائیل را به طلب کمک از مصر و آشور (نشانه‌ای از تغییر معاهدات بین‌المللی اسرائیل در این زمان) متهم می‌کند. همانطور که می‌دانیم آشوریان پس از پیروزی بر اسرائیل در سال ۷۳۲ ق. م. هوشع پادشاه را در اسرائیل بر تخت پادشاهی قرار دادند. او به ظلم و بت‌پرستی ادامه داد و برای مدتی با شور و شوق در پیمان دوستی خود با آشور وفادار ماند. اما بعداً با روی آوردن به مصریان، کوشید خود را از سلطهٔ آشوریان آزاد کند. هوشع نبی نتایج مهیب این گناهان را با هشدار اینکه بلایای بیشتری در راه است، نشان داد - بلایایی که در قالب حملهٔ ویرانگر آشور در ۷۲۲ ق. م. رسیدند.

این واقعه تاریخی همچنین با تمرکزی که این چند فصل بر پادشاهی یهودا می‌گذارد، تایید می‌شود. در این زمان، آحاز در یهودا سلطنت می‌کرد و یهودا را به بت‌پرستی و بی‌عدالتی کشانده بود. و به جای اعتماد به خدا، آحاز امنیت خود را در پیمان دوستی‌اش با آشور و خدایان آنها می‌جست. در نتیجه، این فصول توجه زیادی به بلایای خدا علیه یهودا می‌کند. به سخنان هوشع در ۵: ۱۰-۱۴ توجه کنید:

خداوند می‌فرماید: «رهبران یهودا زمین‌ها را غارت می‌کنند، بنابراین من خشم خود را مانند سیلاب بر آنها فرو خواهم ریخت اسرائیل مورد قهر من قرار گرفته است و در روز محاکمه درهم کوبیده می‌شود، زیرا پیرو چیزهای باطل گردیده است. بنابراین، من برای اسرائیل مانند بید که پشم را از بین می‌برد خواهم بود و ریشه یهودا را نابود می‌کنم. «وقتی اسرائیل دید که تا چه حد بیمار است و یهودا که جراحت او تا چه حد است، افرایم به کشور آشور روی آورد و به پادشاه بزرگ آن پناه برد. اما امپراتور آشور قادر نیست که او را شفا بدهد و یا زخمش را مداوا نماید. مانند شیری که شکار خود را می‌درد، من افرایم و یهودا را می‌دردم و با خود می‌برم و هیچ کسی نمی‌تواند آنها را از چنگ من برهاند. (هوشع ۵: ۱۰-۱۴، مژده)

و در ۶: ۴ خدا ناامیدی خود را از آحاز و یهودا ابراز می‌کند:

ای افرایم و ای یهودا، با شما چه کنم؟ (هوشع ۶: ۴، مژده)

او سپس در آیه ۱۱ می‌گوید:

برای تو نیز ای یهودا، روزی را برای مجازات تعیین کرده‌ام. (هوشع ۶: ۱۱، مژده)

در اینجا خدا اعلام می‌کند که مجازاتی برای یهودا همراه پادشاهی اسرائیل مقرر شده است. باید در نظر داشته باشیم که بخش دوم این آیه درباره احیای قوم خدا صحبت می‌کند. اما همانطور که بسیاری از مفسرین و بعضی از ترجمه‌های امروزی اشاره کرده‌اند، بخش دوم آیه ۱۱ به نبوتی که در ۷: ۱ آمده مربوط است. بنا بر این دیدگاه، مجازات مقرر شده، انهدام یهودا به دست آشور است.

**دومین ندای هشدار (۸: ۱-۹: ۹):** دومین ندای هشدار خدا در ۸: ۱-۹: ۹ یافت می‌شود. این بخش با فرمان خدا برای نواختن «کرنای» یا «شوفار» با دهان خود آغاز می‌شود. محتوای متن این قسمت کاملاً نشان می‌دهد همچنانکه حمله آشور در ۷۲۲ ق. م. نزدیک می‌شد، در میان نبوت‌های اخیر هوشع بوده است. در این زمان هوشع،

پادشاه اسرائیل در حال ادامهٔ ترویج بت‌پرستی و بی‌عدالتی بود. او همچنین به تکیه بر پیمان دوستی خود با مصر ادامه داد. در نتیجه، هوشع نبی دربارهٔ بلایای قریب‌الوقوع خدا هشدار می‌دهد. او در ۹: ۳ اعلام می‌کند که «ایشان در آشور چیزهای نجس خواهند خورد.» کمی بعد، شلمناسر پنجم سامره را تحت تسلط خود در آورد. و در ۷۲۲ ق. م. سرگن دوم، پادشاه جدید آشور، سامره را ویران کرد و به پادشاهی اسرائیل پایان بخشید.

یکی از سوالاتی که ممکن است بسیاری را بهت‌زده کند این است که چطور خدا اجازه می‌دهد که قوم او در دستان ملتی بت‌پرست چون آشوریان بیفتند؟ هوشع می‌خواهد با نشان دادن این که داوری، سزاوار بود به این سوال جواب بدهد. خدا بارها و بارها به قوم خود هشدار داده بود. او انبیا را فرستاده بود. خدا به آنها گفته بود که نافرمانی و بی‌وفایی آنها نتایج خواهد داشت. با این وجود آنها نخواستند از بی‌وفایی نسبت به عهد خدا با خود توبه کنند، چنانکه هوشع به وضوح در کتاب خود نشان می‌دهد. بنابراین هوشع می‌نویسد که به آنها بگوید «همهٔ شما که رنج می‌برید، سزاوار آن هستید. خدا به شما هشدار داد و شما نخواستید که توبه کنید.» بنابراین هیچ‌کس را علاجی جز تحمل داوری‌ای که خدا از مدت‌ها قبل دربارهٔ آن هشدار داده بود وجود نداشت.

- دکتر دیوید کوریا

این واقعهٔ تاریخی همچنین به وسیلهٔ آنچه این متن دربارهٔ یهودا می‌گوید، تایید می‌شود. در طول سال‌های آخر پادشاهی اسرائیل، آحاز و حزقیا در یهودا سلطنت می‌کردند. حزقیا سعی در دور نگاه داشتن یهودا از بت‌پرستی و بی‌عدالتی آحاز داشت. در این مورد او یک اصلاح‌گر واقعی بود. اما حزقیا هم برای مقاومت در برابر آشور، با تقویت یهودا در برابر حمله، به قدرت خودش اتکا کرد. و به جای رو کردن به خدا، با مصر و خدایان آنها عهد دوستی بست. این اعمال خدا را بر آن داشت که اعلام کند یهودا حتی با بلایای سخت‌تری از طریق آشور روبرو خواهد شد. خداوند در ۸: ۱۴ اینچنین می‌گوید:

... یهودا شهرهای حصاردار بسیار می‌سازد. اما من آتش به شهرهایش خواهم فرستاد که قصرهایش را بسوزاند.  
(هوشع ۸: ۱۴)

این نبوت تقریباً بیست سال بعد در ۷۰۱ ق. م. به وقوع پیوست. هنگامی که سنحاریب به یهودا حمله کرد، اکثر شهرهای آن را به نابودی کشاند و اورشلیم را به محاصره در آورد. همانطور که می‌توانید تصور کنید، هنگامی که هوشع نبوت‌های مربوط به داوری خدا نسبت به اسرائیل را دریافت کرد، آنها بر چند چیز دلالت می‌کرد. این داوری‌ها در همهٔ موارد به داوری قریب‌الوقوع اشاره می‌کردند و به

توبه فرا می‌خواندند. اما بعدها هنگامی که هوشع در بخش دوم کتاب خود این نبوت‌ها را گردآوری می‌کرد، این مجازات‌ها رخ داده بودند. اسرائیل در سال ۷۲۲ ق.م. تحت تسلط آشور در آمده بود و آشوریان در مدت سلطنت حزقیا به یهودا حمله و بسیاری از بخش‌های آن را تخریب کرده بودند. اما رهبران یهودا در زمان حزقیا هنوز فرصت داشتند که از فراوانی حکمت موجود در این نبوت‌ها استفاده کنند. این نبوت‌ها نه تنها با جزئیات توضیح می‌دادند که چرا خدا پادشاهی اسرائیل را نابود کرد، بلکه توضیح می‌دادند چرا خدا آشوریان را با آنچه قدرت ویرانگرانه‌ای علیه یهودا فرستاد.

اکنون که به بررسی ساختار و محتوای اولین بخش شامل تمرکز هوشع بر داوری و امید الاهی و همچنین بخش دوم شامل پرده‌برداری از نبوت‌ها پرداختیم، نوبت به بخش سوم این کتاب می‌رسد: نبوت‌های هوشع درباره پرده‌برداری از امید الاهی در ۹: ۱۰-۱۴: ۸.

### پرده‌برداری از امید (۹: ۱۰-۱۴: ۸)

ما به این بخش عنوان پرده‌برداری می‌دهیم، چون هوشع دوباره به تشریح نبوت‌هایی که طی سالیان متمادی دریافت کرده بود می‌پردازد. و عنوان «امید» می‌دهیم چون تاکید می‌کند که قوم خدا چگونه می‌توانند حتی پس از تحمل رنج و سختی شدید حاصل از مجازات، همچنان به برکات خدا امیدوار باشند.

هوشع در بخش دوم کتاب خود، تقریباً تنها از داوری خدا علیه اسرائیل و یهودا صحبت می‌کند. اگر هوشع کتاب خود را در آنجا به پایان می‌رساند، سوالات بسیاری بی‌پاسخ باقی می‌ماند. آیا رویارویی اسرائیل و یهودا با این سختی‌ها به این معنی بود که آنها در آینده، دیگر طعم برکات خدا را نمی‌چشیدند؟ آیا قوم خدا برای همیشه گمشده باقی می‌ماند؟ هوشع بخش سوم کتاب خود را نوشت تا به این سوالات پاسخ بدهد. در این بخش او به رهبران یهودا در زمان حزقیا نشان داد که چرا آنها باید همچنان به برکات خدا در آینده امیدوار باشند.

بخش سوم کتاب هوشع پیچیده‌ترین قسمت این کتاب است چون هوشع نبوت‌های زیادی را همراه با بخش‌های کوچکی از نبوت‌ها با هم ترکیب می‌کند. اما با اطمینان خاطر می‌توان این بخش را به پنج قسمت تقسیم کرد که در هر یک از این پنج قسمت خدا اسرائیل را با چیزی مقایسه می‌کند.

خدا اسرائیل را در ۹: ۱۰-۱۲ با میوه؛ در ۹: ۱۳-۱۷ با نخل کاشته‌شده؛ در ۱۰: ۱-۱۰ با تاکی برومند؛ در ۱۰: ۱۱-۱۵ با گوساله تریب‌شده، و در آخر در ۱۱: ۱-۱۴: ۸ با طفل یا پسر محبوب مقایسه می‌کند. در هر یک از این بخش‌ها این مقایسه‌ها مفصلاً تشریح شده‌اند. ما در درس بعد بیشتر به این جزئیات خواهیم پرداخت. اما در این درس مقدماتی، زمان به ما اجازه می‌دهد تنها به الگوی ساده‌ای از امید که در شروع هر یک از این پنج قسمت وجود دارد اشاره کنیم.



در حین بررسی هر یک از این قسمت‌ها مهم است که تشخیص دهیم هوشع در چه زمانی برای اولین بار نبوت‌های هر بخش را دریافت کرده است. برخی از این زمینه‌های تاریخی آسان‌تر از بقیه قابل تشخیص هستند. اما به طور کلی هوشع دوباره به دوره‌های تاریخی مشابهی که در بخش دوم کتاب خود به آن پرداخته بود بر می‌گردد. همانطور که دیدیم، هوشع در بخش دوم بر داوری خدا طی حمله آشوریان در سال ۷۳۲ ق. م. و ۷۲۲ ق. م. تمرکز دارد. اما بخش سوم کتاب، بیش از آنکه بر داوری تمرکز کند، کلام امیدبخش خدا در زمان مشابه را نشان می‌دهد. باید این حقیقت را ابتدا با مقایسه‌ای که خدا بین اسرائیل و میوه در ۹: ۱۰-۱۲ انجام می‌دهد، ببینیم.

### میوه (۹: ۱۰-۱۲)

به نظر می‌رسد که این بخش همزمان با مکاشفه‌های اولیه دیگر درباره حمله آشوریان در سال ۷۳۲ ق. م. بر هوشع مکشوف شده است. بهترین مدرک برای تایید این واقعه تاریخی در ۹: ۱۱ دیده می‌شود. از آنجا که پادشاهان اسرائیل از خدا رو برگردانیده بودند، «جلال افرایم» - به معنی جلال آنان یا کودام (kevodam) در عبری - همچون پرنده‌ای پر می‌کشید. خدا در شرف آن بود که جلال اسرائیل را محو کند. تنها زمان دیگری در کتاب هوشع که خدا این را از پیش می‌گوید، در شکایت‌نامه اولیه خدا در ۴: ۱-۱۹ بود - بخشی که مربوط به نبوت‌های اولیه هوشع در رابطه با حمله ۷۳۲ ق. م. است. در ۴: ۷ خدا گفت: «جلال ایشان را به رسوایی بدل خواهم کرد.» این ارتباط نشان می‌دهد که هوشع بخش سوم و دوم را همزمان با یکی از نبوت‌های اولیه خود درباره حمله آشور در ۷۳۲ ق. م. آغاز کرده است.

این واقعه با این حقیقت که هیچ اشاره‌ای به یهودا نیست، تایید می‌شود. همانطور که به یاد می‌آورید، عزایا و یوتام به عنوان پادشاهان عادل سلطنت کردند و خدا از هیچ مجازاتی برای یهودا در این دوره صحبت نمی‌کند. با در نظر داشتن این اطلاعات تاریخی، به آنچه خدا در ۹: ۱۰ گفت توجه کنید:

اسرائیل را مثل انگورها در بیابان یافتیم. پدران شما را مثل نوبر انجیر در ابتدای موسمش دیدم. اما ایشان به بعل فُغور رفتند و خویشان را برای رسوایی نذیره ساختند و مانند معشوقه خود مکروه شدند. (هوشع ۹: ۱۰)

خدا به وضوح در این آیه از گناهان اسرائیل صحبت می‌کند. اما بسیار مهم است که توجه کنیم خدا اول با مقایسه‌ای مثبت بین اسرائیل و انگور و انجیر شروع می‌کند. بنابراین حتی با اینکه خدا برای داوری اسرائیل در ۷۳۲ ق. م. مصمم بود، اما او هنوز از اسرائیل طوری یاد می‌کند که کسی از میوه‌های شیرین یاد می‌کند. این یادآوری مثبت خدا، قوم را مطمئن کرد که هنوز این امید وجود دارد که در آینده به برکات او برگردند.

بخش دوم در ۹: ۱۳-۱۷، بر اسرائیل به عنوان نخل کاشته شده متمرکز می‌شود و الگویی مشابه را پیروی می‌کند.

### نخل کاشته‌شده (۹: ۱۳-۱۷)

نمی‌توانیم مطمئن باشیم که هوشع چه زمانی این مکاشفه را دریافت کرده است. اما به طور کلی توصیف او از اسرائیل به خوبی با وضعیت اسرائیل در زمانی که او نبوت‌های دربارهٔ حملهٔ آشور در ۷۳۲ ق. م. را دریافت کرد سازگار است. این واقعه با این حقیقت که در این متن هیچ اشاره‌ای به یهودا نیست، تایید می‌شود. بنابراین به احتمال قوی هوشع قبل از اینکه آحاز یهودا را از خدا دور کند، آن را دریافت کرده است. به شروع این بخش در ۹: ۱۳ گوش کنید:

زمانی افرایم مانند نخل خرما در جای با صفایی روییده بود، اما اکنون باید فرزندان خود را به کشتارگاه ببرد. (هوشع ۹: ۱۳، مژده)

در این بخش خدا اسرائیل را با کشتار فرزندان‌شان در حالی که آنان به جنگ مهاجمین آشوری رفته‌اند، تهدید می‌کند. اما با وجود صورت وحشتناکی که این مجازات در بر دارد، در نیمهٔ اول این آیه خدا به یاد می‌آورد که چطور اسرائیل «مانند نخل خرما در جای باصفا» محبوب او بود. این خاطرهٔ خوب خدا از آنها، نشان می‌داد که همچنان به برکات خدا در آینده برای اسرائیل امید هست.

هوشع پس از تمرکز بر اسرائیل به عنوان نخل کاشته شده، در ۱۰: ۱-۱۰: ۱۰ پادشاهی اسرائیل را با تکی بر روند مقایسه می‌کند.

### تاک برومند (۱۰: ۱-۱۰)

همانند بخش‌های پیشین، این قسمت نیز به دورانی بر می‌گردد که هوشع نبوت‌های مربوط به حملهٔ آشور در سال ۷۳۲ ق. م. را دریافت کرد. هوشع ۱۰: ۶ تهدید می‌کند که ثروت مراکز پرستش اسرائیل به عنوان «خراج به پادشاه بزرگ» داده خواهد شد - همان پادشاهی که در ۵: ۱۳ از آن نام برده شده است. این «پادشاه بزرگ» تَغْتَلْتَفْلَاسِر سوم بود که حملهٔ ۷۳۲ ق. م. را فرماندهی کرد. اما مهم است که توجه کنیم که در این بخش اشاره‌ای به یهودا نشده است. بنابراین شاید این نشان دهد که آحاز هنوز یهودا را به سوی فساد رهبری نکرده بود. با این وصف، به آنچه خدا در ۱۰: ۱ گفت گوش کنید:

اسرائیل مو برومند است که میوه برای خود می‌آورد. هر چه میوه زیاد می‌آورد، مذبح‌ها را زیاد می‌سازد (هوشع ۱۰: ۱)

دقت کنید که نبوت هوشع دوباره بر مجازات و داوری اسرائیل تمرکز دارد، چون آنها هر چقدر که ثروتمندتر شدند، مذبح‌های بیشتری بنا کردند. همهٔ بخش‌های قلمرو اسرائیل سرشار از مذبح‌های خدایان غیر بود و آنها به خاطر این سرکشی متحمل داوری خدا می‌شدند. اما مثل قبل، هوشع در کنار ذکر این مجازات به این حقیقت اشاره می‌کند که خدا اسرائیل را همانند تاکی برومند به یاد می‌آورد. این مقایسه امید به برکات خدا به اسرائیل در آینده را به ارمغان می‌آورد.

پس از تشبیه اسرائیل به تاک برومند، هوشع دربارهٔ مقایسهٔ خدا بین پادشاهی اسرائیل و گوسالهٔ تربیت‌شده در ۱۰: ۱۱-۱۵ می‌نویسد.

### گوسالهٔ تربیت‌شده (۱۰: ۱۱-۱۵)

شاید این بخش همزمان با دریافت نبوت‌ها دربارهٔ حملهٔ آشور در ۷۲۲ ق. م. باشد. همانطور که دیدیم، در این دوران، هوشع پادشاه، اسرائیل را به بت‌پرستی بی‌عدالتی کشاند. و خیلی زود، به جای تکیه بر خدا برای حفظ امنیت خود، بر پیمان‌اش با آشور و خدایان آنان تکیه کرد. به همین خاطر، خدا هشدار داد که بلايایی بر اسرائیل نازل خواهد کرد.

قابل توجه‌ترین مدرک دربارهٔ این واقعهٔ تاریخی در این بخش، این است که به گناهان یهودا اشاره می‌کند. همانطور که می‌دانیم آحاز، پادشاه یهودا بت‌پرستی و بی‌عدالتی را در سراسر یهودا ترویج کرده بود. او همچنین در طلب کمک از پیمان خود با آشور به جای خدا، پافشاری کرد. بنابراین در ۱۰: ۱۱ و ۱۲ خدا به طور مختصر، یهودا را به بلايا تهدید، و اعلام می‌کند که یهودا باید شخم بزند و عدالت را بکارد. تمام این بخش در ۱۰: ۱۱ با این کلمات آغاز می‌شود:

افرایم گوسالهٔ آموخته شده است که کوفتن خرمن را دوست می‌دارد و من بر گردن نیکوی او گذر کردم و من بر افرایم یوغ می‌گذارم. یهودا شیار خواهد کرد و یعقوب مازو برای خود خواهد کشید. (هوشع ۱۰: ۱۱)

در اینجا می‌بینیم که خدا افرایم را به یوغ تهدید می‌کند که سمبلی از داوری بی‌عدالتی توسط آشور بود. اما فارغ از داوری‌ای که در راه بود، خدا هنوز از اسرائیل به عنوان «گوسالهٔ آموخته‌شده... که کوفتن خرمن را دوست می‌دارد» یاد می‌کرد. و یادآوری مثبت خدا از اسرائیل، دلیلی برای امید به برکات آینده بود.

این ما را به آخرین مقایسه در این بخش از پرده‌برداری از امید می‌رساند که طولانی‌ترین بخش در قسمت سوم است. در ۱۱: ۱-۱۴: ۸، خدا قوم خود را با چیزی بسیار ارزشمندتر از گوساله‌تربیت‌شده مقایسه می‌کند - یک طفل یا پسر محبوب.

### طفل محبوب (۱۱: ۱-۱۴: ۸)

این بخش طولانی در برگیرنده نبوت‌هایی است که هوشع همزمان با نبوت درباره آشور در سال ۷۲۲ ق. م. دریافت کرد. در این زمان، هوشع پادشاه به ترویج بت‌پرستی و بی‌عدالتی ادامه می‌داد. اما بعداً، او سعی کرد از طریق اتحادی احمقانه با مصر، خود را از بند آشور رها کند. در ۱۱: ۵، خدا به طور خاص به این اتحاد اشاره می‌کند و می‌گوید که اسرائیل «به زمین مصر نخواهد برگشت، اما آشور پادشاه ایشان خواهد شد.» این واقعه تاریخی با این حقیقت که در ۱۱: ۱۲ و ۱۲: ۲-۶ نیز هوشع علیه یهودا نبوت کرد، تایید می‌شود. همانطور که در ۱۲: ۲ می‌خوانیم: «خداوند را با یهودا مخاصمه‌ای است.» علیرغم اصلاحاتی که حزقیا ایجاد کرد، او به جای طلب یاری از خداوند، بر قدرت خود و بر اتحاد با مصر تکیه کرد. بنابراین یهودا از طریق حمله سنحاریب در سال ۷۰۱ ق. م. متحمل داوری خدا شد. به بخش آغازین این بخش در ۱۱: ۱-۲ گوش کنید:

هنگامی که اسرائیل طفل بود، او را دوست داشتم و پسر خود را از مصر خواندم. هر قدر که ایشان را بیشتر دعوت کردند، بیشتر از ایشان دور رفتند و برای بعلیم قربانی گذرانیدند و به جهت بت‌های تراشیده بخور سوزانیدند. (هوشع ۱۱: ۱-۲)

این آیات دوباره الگوی هوشع را نشان می‌دهد. اسرائیل علیه خدا گناه کرده بود. خدا بارها آنها را خواند اما آنها بیشتر دور شدند و بعل و بت‌ها را پرستش کردند. در نتیجه، داوری در راه بود. اما با اینکه خدا داوری را اعلام می‌کند، آیه ۱ نشان می‌دهد که خدا هنوز به اسرائیل همچون پسر محبوب خود نگاه می‌کند. و محبت او برای فرزندش، اسرائیل، دلیل امید به برکات آینده اسرائیل بود.

هوشع ۱۱: ۱ درباره اینکه خدا چطور اسرائیل را از مصر خواند، صحبت می‌کند. این آیات می‌گویند که خدا به پایین نظر کرد و با محبت آنها را تغذیه کرد و نیازهایشان را فراهم کرد. با این حال، هر چقدر که بیشتر توسط خدمتگزاران خود، انبیا، قوم خود را به سوی خود فرا خواند، آنها بیشتر از او دور شدند. و بنابراین، این بار خدا اعلام می‌کند که آنها را پس خواهد فرستاد، ولی نه به مصر، بلکه آشور پادشاه آنان خواهد شد. بعد این باب با صدای محبت خدا برای قومش ادامه پیدا می‌کند، و خدا اعلام می‌کند: «حدت خشم خود را [بر اسرائیل] جاری نخواهم ساخت.» من آنها را

خواهم خواند و فرزندانم همچون پرندگان لرزان از مصر و چون کبوتران از سرزمین آشور باز خواهند گشت. من آنها را دوباره در این سرزمین ساکن خواهم ساخت و خدای ایشان خواهم بود و آنها قوم من خواهند بود.  
-دکتر کریگ س. کینر

در بخش سوم کتاب هوشع، مطالب بسیار بیشتری از آنچه مقدمه کوتاه ما آشکار می‌کند، وجود دارد. و در درس بعدی نگاه عمیق‌تری به این بخش خواهیم داشت. اما به قدر کافی که بتوانیم جوهر مطلب را درک کنیم، دیده‌ایم. هوشع این آخرین بخش کتاب خود را به نگارش در آورد تا با سقوط اسرائیل توسط آشور و به تبعید رفتن ساکنان آن، به رهبران یهودا درس حکمت بیاموزد. در این آخرین باب‌های کتاب، هوشع با استفاده از همه نبوت‌هایی که در طول خدمت خود از خدا دریافت کرده است، یهودا را به برکات وعده داده شده خدا امیدوار می‌کند. داوری پایان داستان اسرائیل نبود، زیرا خدا هیچگاه فراموش نکرده بود که چقدر آنها محبوب او بودند. رهبران یهودا می‌توانستند حکمت بیاموزند و به برکات آینده امید ببندند.

## نتیجه‌گیری

در این مقدمه‌ای بر هوشع، ما به بررسی پیش‌زمینه کتاب هوشع با تمایز بین زمان، مکان، شرایط و مقصود خدمت نبی و کتاب او پرداختیم. ما همچنین محتوا و ساختار کتاب هوشع را مورد بررسی قرار دادیم و توجه کردیم که چطور نبی با تمرکز بر داوری و امید، پرده‌برداری از داوری، و پرده‌برداری از امید از سوی خدا، به مخاطبین اولیه خود حکمت می‌بخشد.

کتاب هوشع نوشته شد تا در زمانی که اسرائیل و یهودا با یکی از سخت‌ترین دوره‌های تاریخ خود روبرو بودند - بحران داوری آشور - حکمت بیاموزد. و کتاب هوشع بینشی می‌بخشد که قوم او در هر عصری از جمله عصر ما، برای نگاه به آینده لازم دارند. پیروان مسیح نیز همانند اسرائیل و یهودا در عصر هوشع باید در رویارویی با بحران‌های زندگی به دعوت هوشع برای کسب حکمت توجه کنند. از کتاب هوشع می‌آموزیم که علیرغم همه سختی‌هایی که با آنها روبرو می‌شویم، حتی زمانی که به نظر می‌رسد که همه چیز از بین رفته است، می‌توانیم به امیدی برای آینده در مسیح داریم، محکم بچسبیم. و می‌توانیم مطمئن باشیم که روزی، هنگامی که مسیح بازگردد، خدا برکات بی حد و حصر خود را بر ما خواهد ریخت.